

وضعیت حقوق بشر در افغانستان در نیمه نخست سال ۲۰۲۵

اگست ۲۰۲۵



رواداری یک نهاد مستقل و بی طرف است که با هدف نظارت بر وضعیت حقوق بشر، توسعه فرهنگ حقوق بشری در افغانستان و تلاش برای تأمین فرهنگ حسابدگی و عدالت قربانی محور تأسیس شده است. این نهاد با رعایت کامل اصل بی طرفی و احترام به اصول و معیارهای پذیرفته شده جهانی حقوق بشر، فعالیت می کند. گزارش حاضر نیز در همین راستا و به منظور بازتاب واقع بینانه رویدادهای نقض حقوق بشر آن گونه که واقع شده است، منتشر می شود.

فهرست مطالب

۳	مقدمه
۴	روش جمع‌آوری معلومات
۵	محدودیت‌های دسترسی به اطلاعات
۶	بخش نخست - نقض حقوق مدنی و سیاسی
۷	نقض حق حیات
۸	الف - تلفات ملکی ناشی از حملات هدفمند انفجاری و انتحاری
۸	ب - تلفات ملکی ناشی از انفجار ماین و مواد منجفره باقی‌مانده از منازعات مسلحانه
۹	ج - قتل‌های هدفمند، مرموز و فرا قضایی
۱۱	محدودیت‌های مستندسازی قتل‌های هدفمند، مرموز و فرا قضایی
۱۲	اقدامات طالبان برای پیگرد مرتکبان قتل‌های هدفمند، مرموز و فراقضایی
۱۳	الف - قتل سازمان‌یافته کارمندان حکومت پیشین
۱۵	ب - قتل افراد غیر نظامی متهم به عضویت یا همکاری با گروه‌های مخالف
۱۶	ج - قتل مرموز و فراقضایی سایر شهروندان غیر نظامی
۱۷	ناپدید سازی اجباری
۱۹	بازداشت خودسرانه و غیرقانونی
۱۹	عوامل بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی
۲۰	الف - بازداشت خودسرانه کارمندان حکومت پیشین
۲۲	ب - بازداشت خودسرانه فعالان مدنی و مدافعان حقوق بشر
۲۴	ج - بازداشت خودسرانه افراد به اتهام همکاری با گروه‌های مخالف طالبان
۲۵	د - سایر موارد بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی
۲۷	نقض حق کرامت انسانی
۲۷	الف - شکنجه و بدرفتاری با زندانیان
۲۷	انواع و شیوه‌های شکنجه
۲۹	قتل زندانیان

۳۰	نبود مکانیسم مؤثر نظارت بر زندان‌های طالبان
۳۱	ب- اجرای مجازات ظالمانه و غیرانسانی
۳۱	۱ - مجازات سنگسار و قصاص
۳۳	۲ - مجازات بدنی
۳۴	۳ - سایر اشکال مجازات غیر انسانی
۳۴	سرکوب تجمعات و گردهمایی اعتراضی مسالمت‌آمیز
۳۶	بخش دوم- وضعیت حقوق بشری زنان
۳۷	۱ - تشدید محدودیت‌ها بر حق آموزش
۳۷	الزام حجاب و محرم شرعی برای کودکان دختر
۳۸	بازداشت آموزگاران به خاطر ارائه خدمات آموزشی به زنان
۳۹	۲ - شرایط تبعیض‌آمیز کار
۴۰	۳ - چالش‌های دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی
۴۱	روایت‌های مصاحبه‌شوندگان
۴۱	۴ - نقض حق گشت و گذار آزادانه
۴۲	روایت‌های مصاحبه‌شوندگان
۴۴	۵ - عدم دسترسی به عدالت
۴۴	عدم رسیدگی به موارد خشونت علیه زنان
۴۶	بخش سوم- وضعیت گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر
۴۷	۱ - تبعیض علیه گروه‌های قومی و مذهبی در ارائه خدمات دولتی و پروژه‌های انکشافی
۴۸	۲ - تبعیض در استخدام
۴۹	۳ - اعمال محدودیت بر آزادی‌های مذهبی
۵۰	اجبار شیعیان اسماعیلیه به تغییر مذهب و آموزش فقه حنفی
۵۱	بخش چهارم- نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۵۲	نتیجه‌گیری
۵۲	پیشنهادهای

مقدمه

گزارش حاضر، به بررسی و تحلیل وضعیت حقوق بشر در افغانستان طی شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ می‌پردازد و به‌طور خاص موارد نقض حقوق مدنی و سیاسی، حقوق زنان و گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر را، مستند می‌کند. این گزارش براساس داده‌ها و شواهد بدست‌آمده از منابع اولیه و عمدتاً از طریق مصاحبه با قربانیان، بازماندگان و شاهدان عینی، تدوین شده است که بر ارزیابی عوامل نقض حقوق بشر در عرصه‌های یادشده و پیامدهای آن بر زندگی شهروندان تمرکز دارد.

بنابر اطلاعات و شواهد گردآوری‌شده، هرچند که در نیمه نخست سال ۲۰۲۵، برخی از اشکال نقض حق حیات مانند تلفات ناشی از حملات انتحاری و انفجاری و ماین‌ها و دیگر مواد منفجر ناشده باقی‌مانده از جنگ کمتر شده؛ اما میزان قتل‌های هدفمند، فراقضایی و مشکوک نسبت به زمان مشابه در سال ۲۰۲۴ حدود ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است.

شواهد موجود نشان می‌دهد که کارمندان حکومت پیشین، خبرنگاران، مدافعان حقوق بشر و افراد متهم به همکاری یا عضویت در گروه‌های مخالف طالبان، هم‌چنان هدف قتل‌های فراقضایی، بازداشت خودسرانه و غیرقانونی، ناپدیدسازی اجباری و شکنجه بوده‌اند.

وضعیت حقوق بشری زنان نیز در این دوره‌ی گزارش‌دهی، به‌طور چشم‌گیری وخیم‌تر شده است. زیرا طالبان با تشدید تبعیض و محدودیت‌های سازمان‌یافته‌تر، به سرکوب حقوق و آزادی‌های اساسی آنان در عرصه‌های مختلف، اقدام کرده‌اند. در این میان براساس فرامین شفاهی ماموران امر به معروف، الزام محرم شرعی و حجاب مورد نظر این اداره برای دانش‌آموزان دختر در دوره ابتدایی مکاتب در شماری از ولایات، مسدود کردن آموزشگاه‌های غیررسمی و بازداشت مسئولان آن‌ها، عدم ارائه خدمات درمانی و بهداشتی به زنان بدون محرم شرعی، محدودسازی دسترسی زنان به اماکن عمومی و در برخی مناطق به اماکن مذهبی و مساجد بخشی از اقدامات نظام‌مند و تبعیض‌آمیز طالبان در این دوره به‌شمار می‌رود. وضعیتی که به موجب اسناد بین‌المللی حقوق بشر، می‌تواند مصداق تعذیب جنسیتی و جنایت علیه بشریت تلقی گردد.

از سوی دیگر، شواهد بدست‌آمده نشان می‌دهد که میزان نقض حق آزادی و امنیت شخصی شهروندان به دلیل اجرای قانون موسوم به «امر به معروف و نهی از منکر»، به‌صورت قابل توجهی در سراسر کشور افزایش یافته است. چنان‌که طالبان به‌طور گسترده شهروندان را به خاطر نوع پوشش، اندازه و سبک ریش و موی سر، شنیدن موسیقی، صحبت با نامحرم و موارد متعدد دیگر، به‌شکل خودسرانه و غیرقانونی بازداشت نموده‌اند. از این‌رو، رقم بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی در این دوره گزارش‌دهی، نسبت به دوره مشابه در سال ۲۰۲۴ دو برابر افزایش یافته است.

هم‌چنین، بنابر یافته‌های این گزارش، طالبان در نیمه نخست سال جاری، به‌گونه خشونت‌آمیز و با توسل به زور، تجمعات و گردهمایی‌های اعتراضی را سرکوب نموده و معترضان را بازداشت، زندانی و حتا به قتل رسانده‌اند. وضعیتی که نشان دهنده‌ی گسترش فضای رعب و ترس و تداوم سیاست‌های هدفمند برای سرکوب صداهای مخالف و محدودتر کردن اقدامات مدنی و اجتماعی می‌باشد.

افزون براین، شواهد بدست‌آمده نشان می‌دهد که دادگاه‌های طالبان در این دوره‌ی گزارش‌دهی به‌صورت گسترده به اجرای مجموعه‌ای از مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز حکم کرده‌اند. اعدام، سنگسار، مجازات بدنی و سیاه کردن صورت متهمان به‌منظور تحقیر آن‌ها، از مواردی است که گزارش شده است. داده‌های به ثبت‌رسیده در این دوره گزارش‌دهی نشان می‌دهد که آمار تطبیق مجازات بدنی در مقایسه با شش ماه نخست سال ۲۰۲۴ دو برابر بیشتر شده است.

گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر نیز طی شش ماه نخست سال جاری، در عرصه‌های چون دسترسی عادلانه به فرصت‌های شغلی، خدمات دولتی، کمک‌های بشردوستانه و بهره‌مندی از منابع و امکانات ملی، با تبعیض مواجه بوده‌اند. هم‌چنین، مقامات حاکم طی این مدت با اعمال محدودیت‌های شدید بر آزادی اجرای مناسک مذهبی، به سرکوب عقاید مذهبی متفاوت و حتا اجبار اقلیت‌ها به تغییر مذهب نیز، اقدام کرده‌اند.

انتظار می‌رود که یافته‌ها و پیشنهادات ارائه شده در این گزارش، مورد توجه جدی جامعه جهانی، سازمان ملل متحد، نهادهای حقوق بشری، مقامات حاکم و سایر مراجع ذی‌ربط قرار گرفته و گام‌های عملی و مؤثری در راستای حمایت از حقوق بشر و تضمین کرامت انسانی تمامی شهروندان افغانستان برداشته شود.

روش جمع‌آوری معلومات

رواداری، در ۶ ماه نخست سال ۲۰۲۵ برای مستندسازی و جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با نقض حقوق بشر، به‌طور مداوم با منابع متعدد محلی به‌شمول قربانیان و بستگان آنان، شاهدان عینی، فعالان مدنی، خبرنگاران، آموزگاران مکاتب و دانشگاه‌ها، کارمندان ادارات دولتی، وکلای مدافع، خبرنگاران محلی، کارمندان بخش‌های صحتی و سازمان‌های ذی‌ربط ملی و بین‌المللی در ۳۲ ولایت کشور^۱، مصاحبه نموده است. ناظران رواداری، با استفاده از پرسش‌نامه‌ها و از طریق مصاحبه‌های مستقیم اعم از تلفنی یا ملاقات حضوری، با رعایت اصول تحقیق و ملاحظات امنیتی، جزئیات مرتبط با موارد نقض حقوق بشر را به‌صورت ماهانه گردآوری و به گروه تحقیق این نهاد ارسال کرده‌اند.

گروه تحقیق رواداری، با نظارت مستقیم بر روند جمع‌آوری معلومات، ارائه مشاوره و راهنمایی‌های مستمر به ناظران محلی، تمامی اطلاعات بدست‌آمده را ارزیابی و راستی‌آزمایی کرده است. این اطلاعات پس از تأیید، در یک سیستم ذخیره‌سازی الکترونیکی ثبت و نگهداری شده است. علاوه‌براین، مدارک و شواهد دیگر از جمله اسناد مکتوب، تصاویر و سایر مستندات رسمی نیز طی شش ماه گذشته گردآوری شده و با اظهارات و روایت‌های ارائه شده از سوی مصاحبه‌شوندگان، تطبیق داده شده است. از این رو، آنچه در گزارش حاضر مطرح می‌شود، مجموعه‌ای از اطلاعات معتبر و تأیید شده می‌باشد که از منابع پیش‌گفته بدست آمده است. مواردی که به دلیل محدودیت‌ها و چالش‌های موجود، شواهد کافی برای تأیید و اعتبار آن‌ها در دست نبوده، از گزارش حذف شده است.

علاوه‌براین، از یافته‌ها و اطلاعات مندرج در گزارش‌های قبلی رواداری و سایر سازمان‌های حقوق بشری مرتبط نیز به عنوان شواهد تکمیلی برای تحلیل یافته‌ها و محتوای گزارش حاضر، استفاده شده است.

اطلاعات جمع‌آوری شده، با استفاده از روش کیفی و تطبیقی و به‌منظور شناسایی الگوها و شاخص‌های مشترک نقض حقوق بشر، در سه بخش اساسی تحلیل شده است. بخش نخست گزارش به ارزیابی وضعیت حقوق مدنی و سیاسی اختصاص یافته و در بخش‌های بعدی به بررسی وضعیت حقوق بشری زنان و گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر پرداخته شده است. هم‌چنین، داده‌ها و اطلاعات مربوط به نیمه نخست سال ۲۰۲۵ با زمان مشابه در سال ۲۰۲۴ و سال ۲۰۲۳ مقایسه شده است.

قابل یادآوری است که با توجه به محدودیت‌های فزاینده در زمینه دسترسی به اطلاعات و موانع موجود در روند مستندسازی نقض حقوق بشر، کاهش آماری که در بخش‌های از این گزارش مطرح شده، لزوماً به معنای بهبود وضعیت نیست، بلکه ممکن است ناشی از چالش‌های موجود در جمع‌آوری اطلاعات باشد. از سوی دیگر، هدف از تهیه گزارش حاضر صرفاً ارائه آمار نیست بلکه تحلیل و ارائه یک تصویر مستند از وضعیت جاری حقوق بشر در این کشور می‌باشد.

۱ . هرات، نمریز، بادغیس، دایکندی، غور، فراه، خوست، پکتیا، پکتیکا، کابل، پروان، میدان وردک، سمنگان، غزنی، بدخشان، قندوز، تخار، بغلان، ننگرهار، کنر، قندهار، ارزگان، زابل، هلمند، بامیان، لوگر، فاریاب، بلخ، جوزجان، نورستان، لغمان و پنجشیر.

محدودیت‌های دسترسی به اطلاعات

طالبان در این دوره گزارش‌دهی در مقایسه با شش ماه نخست سال ۲۰۲۴، محدودیت‌های گسترده‌تر و سازمان‌یافته‌تری بر دسترسی به اطلاعات وضع کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اداره استخبارات آن‌ها فعالیت رسانه‌ها، فعالان مدنی و مدافعان حقوق بشر و حتی کاربران شبکه‌های اجتماعی را نظارت نموده و افرادی که اطلاعات مربوط به نقض حقوق بشر را منتشر کنند، شناسایی و مورد بازجویی و شکنجه قرار می‌دهند. این اقدام، چنان‌که توضیح داده خواهد شد، بخشی از یک سیاست سازمان‌یافته و فراگیر طالبان برای پنهان‌سازی موارد نقض حقوق بشر در کشور می‌باشد. مساله‌ای که از یک‌سو، موجب محروم‌سازی قربانیان و خانواده‌های آنان از دسترسی به عدالت شده و از سوی دیگر، امکان مستندسازی کامل و بی‌طرفانه رویدادهای نقض حقوق بشر را به شدت محدود کرده است.

مقامات حاکم به‌صورت مکرر به تمام ادارات تحت امر خود دستور داده که هیچ‌گونه معلوماتی را بدون اجازه مراجع ذی‌صلاح، با رسانه‌ها و یا سایر افراد به اشتراک نگذارند. آن‌ها حتی استفاده از تلفن‌های هوشمند و مجهز به دوربین را برای کارمندان خود از جمله در حوزه جنوب غرب کشور، به شدت منع نموده و نیز به‌طور هدفمند کارمندان باقی‌مانده از حکومت پیشین را که در بخش‌های مختلف ادارات دولتی مشغول به کار بودند، از سمت‌های شان برکنار کرده‌اند. دلیل اصلی این برکناری‌ها عدم اعتماد طالبان به این افراد و تلاش برای کنترل جریان اطلاعات در نهادهای دولتی می‌باشد.

هم‌چنین، بر اساس نسخه‌ای از یک مکتوب رسمی که در اختیار رواداری قرار گرفته است، طالبان به کارمندان خود صراحتاً اعلام کرده‌اند که از هرگونه مصاحبه یا همکاری با رسانه‌هایی که در تبعید فعالیت می‌کنند، خود داری نمایند. در همین راستا، ریاست اطلاعات و فرهنگ طالبان در ولایت‌های پروان و ننگرهار، به رسانه‌ها و خبرنگاران محلی هشدار داده‌اند که در صورت هرگونه همکاری با رسانه‌های که در تبعید فعالیت می‌کنند، توسط اداره استخبارات بازداشت و زندانی خواهند شد. فعالان مدنی و مدافعان حقوق بشر نیز از هرنوع اظهار نظر خلاف میل طالبان، به شدت منع شده‌اند. با این حال، رواداری در شش ماه گذشته مواردی را مستند کرده است که نشان می‌دهد طالبان مدافعان حقوق بشر و خبرنگارانی را که بر خلاف این دستور عمل نموده، به اتهام «جاسوسی برای خارجی‌ها» بازداشت و شکنجه کرده‌اند.

رسانه‌های محلی نیز، مکلف شده که تنها اطلاعاتی را منتشر کنند که طالبان آن‌را می‌خواهند و از انتشار هرنوع خبر یا گزارش دیگر که قبلاً توسط اداره اطلاعات و فرهنگ تأیید نشده خودداری نمایند. این امر موجب خودسانسوری گسترده و پنهان ماندن بخشی از رویدادهای نقض حقوق بشر شده است که همه روزه در سراسر کشور اتفاق می‌افتد.

همین‌طور، طالبان از زندانیان و به‌ویژه افرادی که در دوران بازداشت مورد شکنجه قرار گرفته‌اند به‌صورت کتبی تعهد می‌گیرند که در مورد آنچه در زندان‌ها تجربه کرده یا شاهد بوده، با هیچ شخص یا نهادی صحبت نکنند در غیر آن صورت، دوباره بازداشت و شکنجه خواهند شد. سازمان‌های حقوق بشری و ناظر نیز به زندان‌ها و محلات سلب آزادی دسترسی ندارند و نیز مسئولان این مراکز از ارائه معلومات به رسانه‌ها، نهادهای حقوق بشری و افراد دیگر به شدت منع شده‌اند.

در مورد قتل‌های هدفمند، مرموز و فراقضایی نیز طالبان با حساسیت شدید از افشای اطلاعات جلوگیری می‌کنند. چنان‌که اعضای خانواده و بستگان قربانیان را به‌طور مستقیم تهدید کرده‌اند که از ارائه معلومات در این زمینه خودداری کنند. بررسی کمپیوتر و تلفن‌های همراه شهروندان در ایست‌های بازرسی، از دیگر اقداماتی است که طالبان برای پنهان کردن اطلاعات مرتبط با نقض حقوق بشر پیوسته انجام می‌دهند.

هم‌زمان با محدودیت‌های یاد شده، اجرای «قانون امر به معروف و نهی از منکر» نیز منجر به گسترش هرچه بیش‌تر فضای رعب و ترس در میان شهروندان و موجب پنهان ماندن بخش قابل توجهی از اطلاعات و شواهد مرتبط با نقض حقوق بشر شده است. به همین دلیل آن‌چه در گزارش حاضر ارائه می‌شود، ممکن است تنها بخشی از موارد متعدد نقض حقوق بشر در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ باشد که رواداری متناسب با امکانات، میزان دسترسی و ظرفیت‌های موجود توانسته است آن‌ها را مستندسازی کند.

بخش نخست

نقض حقوق مدنی و سیاسی



Photo (C) Adobe Stock

حقوق مدنی و سیاسی، در زمره‌ی بنیادی‌ترین حقوق بشری افراد به شمار می‌رود که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲، کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه^۳ و اعلامیه جهانی حقوق بشر^۴ به رسمیت شناخته شده است. بر مبنای اسناد مذکور، دولت‌های عضو وظیفه دارند که ضمن حمایت از این حقوق، شرایط بهره‌مندی کامل از آن را برای شهروندان فراهم سازند.^۵ با این وجود، ارزیابی وضعیت حقوق مدنی و سیاسی در افغانستان در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که طالبان از طریق اعمال محدودیت و سوءاستفاده از قدرت، به نقض این حقوق و از جمله بازداشت‌های خودسرانه و غیر قانونی، شکنجه و نقض حق حیات شهروندان اقدام نموده‌اند.

نقض حق حیات

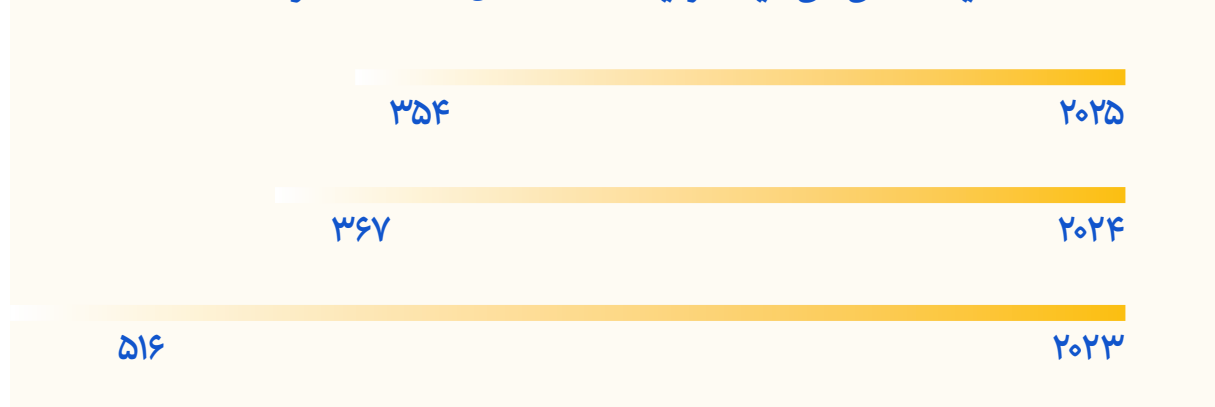
حق حیات از حقوق غیر قابل تعلیق افراد به شمار می‌رود که دولت‌ها تحت هیچ شرایطی، حتی در زمان جنگ، مخاصمات مسلحانه یا سایر وضعیت‌های اضطراری عمومی، مجاز به تعلیق آن نیستند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق حیات را به عنوان یکی از مصادیق حقوق غیر قابل تعلیق افراد به رسمیت شناخته است.^۶

با این حال، یافته‌های گزارش حاضر نشان می‌دهد که در جریان شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ دست‌کم ۳۵۴ نفر بر اثر حملات هدفمند انفجاری و انتحاری، انفجار مواد منفجره برجا مانده از جنگ‌های گذشته و یا به‌صورت هدفمند، مرموز و فرا قضایی کشته و زخمی شده‌اند.^۷ از این میان ۲۰۲ نفر کشته شده و به تعداد ۱۵۲ نفر دیگر زخمی شده‌اند. جان‌باختگان شامل ۱۶۰ مرد، ۱۵ زن، و ۲۷ کودک می‌باشند. همین‌طور، زخمی‌ها شامل ۱۲۳ مرد، ۷ زن و ۲۲ کودک می‌باشند. کارمندان حکومت پیشین و اعضای خانواده‌های آنان، خبرنگاران و فعالان مدنی، معترضان، زنان، کودکان، بزرگان قومی و افراد متهم به ارتباط با گروه‌های مخالف طالبان مشمول قربانیان هستند.

رواداری در شش ماه نخست سال ۲۰۲۴ در مجموع ۳۶۷ مورد نقض حق حیات را ثبت نموده بود.^۸ مقایسه آمار نشان می‌دهد که میزان نقض حق حیات در این دوره گزارش‌دهی حدود ۳.۵ درصد کاهش یافته است. همین‌طور، این رقم در مقایسه با زمان مشابه در سال ۲۰۲۳ که ۵۱۶ مورد بود کاهش ۳۱.۳ درصدی را نشان می‌دهد.

همان‌گونه که توضیح داده شد، با توجه به محدودیت‌های فزاینده در زمینه دسترسی به اطلاعات، روند مستندسازی موارد نقض حق حیات و به‌ویژه قتل‌های فرا قضایی، با چالش‌های قابل توجهی مواجه بوده است. از این رو کاهش آمار به ثبت رسیده لزوماً به معنای بهبود وضعیت در این زمینه نیست.

مقایسه نقض حق حیات در نیمه نخست سال ۲۰۲۵، ۲۰۲۴ و ۲۰۲۳



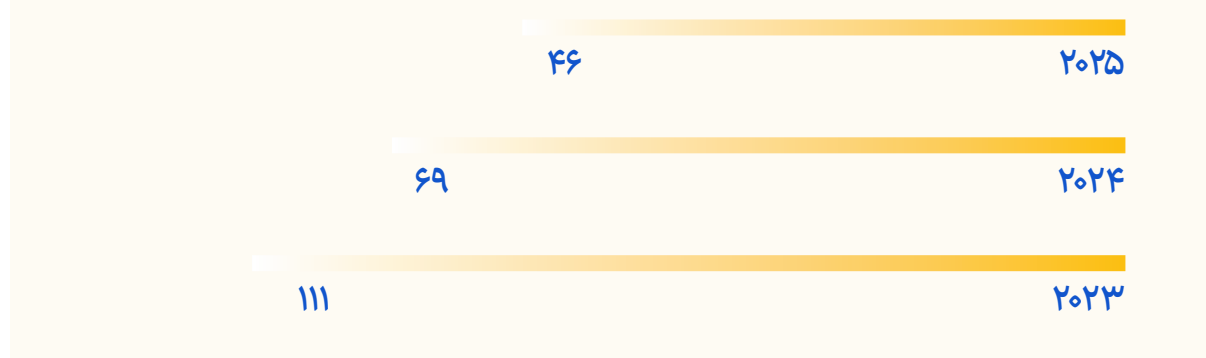
۲. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶)، مواد ۶، ۹، ۱۰ و ۲۱.
۳. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز، (۱۰ دسامبر ۱۹۸۴)، ماده ۱.
۴. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸)، مواد ۳، ۵، ۹ و ۲۰.
۵. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲.
۶. همان، ماده ۶.
۷. آمار قضایای نقض حق حیات مربوط به ولایت‌های هرات، نیمروز، بادغیس، غور، فراه، خوست، پکتیا، پکتیکا، کابل، پروان، پنجشیر، میدان وردک، کاپیسا، غزنی، بدخشان، قندوز، تخار، فاریاب، سمنگان، بغلان، ننگرهار، کنر، نورستان، قندهار، ارزگان، زابل، هلمند، لوگر، بلخ و جوزجان می‌باشد.
۸. رواداری، وضعیت حقوق بشر در شش ماه نخست سال ۲۰۲۴، ص ۶، https://rawadari.org/wp-content/uploads/202502//RW_MidYear2024_HRReport_Dari.pdf

تلفات ملکی ناشی از حملات هدفمند انفجاری و انتحاری

بنابر یافته‌های این گزارش، در نیمه نخست سال ۲۰۲۵، حداقل ۴۶ تن در نتیجه حملات هدفمند انتحاری و انفجاری در ولایت‌های قندوز، بلخ، پکتیکا، کنر، ننگرهار و نورستان کشته و زخمی شده‌اند. از این میان، ۱۱ نفر جان باخته و ۳۵ تن دیگر زخمی شده‌اند. جان‌باختگان شامل ۱۰ مرد و ۱ زن هستند و تمامی ۳۵ زخمی مردان گزارش شده است.

رواداری در شش ماه نخست سال ۲۰۲۴ حدود ۶۹ مورد نقض حق حیات غیرنظامیان در اثر حملات هدفمند انتحاری و انفجاری^۹ را ثبت کرده بود. مقایسه هردو آمار نشان می‌دهد که میزان تلفات ملکی ناشی از حملات هدفمند انتحاری و انفجاری حدود ۳۳.۳ درصد در این دوره گزارش‌دهی کاهش یافته است. هم‌چنین این آمار نسبت به داده‌های ثبت شده در نیمه نخست سال ۲۰۲۳ که ۱۱۱ مورد بود به نصف کاهش یافته است.

مقایسه آمار در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵، ۲۰۲۴ و ۲۰۲۳



در تاریخ ۱۵ جنوری ۲۰۲۵ در اثر انفجار مواد منفجره جاسازی شده در یک کراچی دست‌فروشی در ولایت بلخ، دست‌کم ۲ نفر از شهروندان غیر نظامی کشته و ۶ تن دیگر زخمی شدند. مسئولیت این انفجار را تا کنون هیچ‌کسی یا گروهی بر عهده نگرفته است.

هم‌چنین، در تاریخ ۱۴ اپریل ۲۰۲۵ در نتیجه یک انفجار دیگر در نزدیکی مسجد شیعیان در منطقه «سه دکان» شهر مزار شریف، دست‌کم سه تن به‌شمول ۱ زن کشته و ۶ مرد دیگر زخمی شدند. مسئولیت این انفجار را نیز کسی یا گروهی بر عهده نگرفته است.

در ۱ فبروری سال ۲۰۲۵ در اثر بمباران نیروهای نظامی پاکستان بر ولسوالی نعمت‌آباد ولایت پکتیکا، ۳ تن از افراد غیر نظامی به‌شمول دو واکسیناتور، کشته شدند. در یک رویداد دیگر در ۵ مارچ ۲۰۲۵، سه خبرنگار محلی در اثر اصابت یک مرمی هواوان در جریان درگیری مرزی طالبان با نیروهای پاکستانی در ولایت ننگرهار زخمی شدند.

تلفات غیر نظامی ناشی از انفجار ماین‌ها و مواد منفجره باقی‌مانده از منازعات مسلحانه

در جریان شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ حداقل ۵۷ تن در نتیجه‌ی انفجار ماین‌های جاسازی شده، سرگلوله‌ها و دیگر مواد منفجره به‌جا مانده از جنگ‌های گذشته، کشته و زخمی شده‌اند. از این جمله به تعداد ۲۶ نفر شامل ۹ مرد و ۱۷ کودک کشته شده و ۳۱ نفر دیگر شامل ۲۰ کودک، ۱۰ مرد و ۱ زن زخمی شده‌اند. این آمار در مقایسه با شش ماه نخست سال ۲۰۲۴ که ۱۰۵ مورد بود^{۱۰}، به ۴۵.۷ درصد کاهش یافته است. هم‌چنین این رقم در مقایسه با نیمه نخست سال ۲۰۲۳ که ۶۳ مورد بود حدود ۹.۵ درصد کاهش را نشان می‌دهد. رویدادهای ثبت شده، عمدتاً در روستاها و بخش‌های از کشور رخ داده است که قبلاً محل منازعات مسلحانه بوده است.

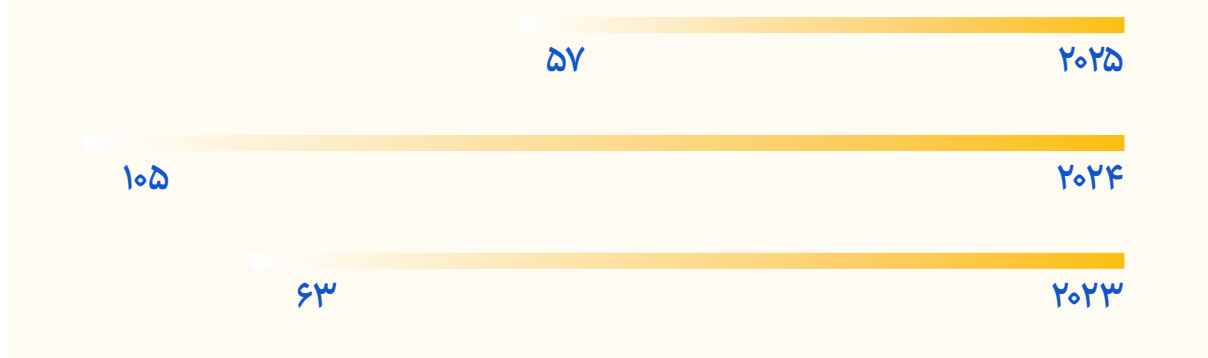
۹. همان، ص ۷

۱۰. رواداری، گزارش وضعیت حقوق بشر در شش ماه نخست سال ۲۰۲۴، ص ۸.



Photo (C) Alamy - Imago

مقایسه آمار در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵، ۲۰۲۴ و ۲۰۲۳



در تاریخ ۱۳ اپریل سال جاری، در پی انفجار مهمات به‌جا مانده از جنگ، یک کودک پسر و یک کودک دختر که خواهر و برادر بودند، در ولسوالی اندر ولایت غزنی به قتل رسیدند. در یک رویداد دیگر در ۸ اپریل ۲۰۲۵ در ولسوالی چک ولایت میدان وردک، در اثر انفجار ماین یک کودک جان باخته و ۴ کودک دیگر زخمی شدند.

علاوه بر این، در تاریخ ۵ می ۲۰۲۵ دو مرد از باشندگان ولسوالی زنده‌جان ولایت هرات، زمانی که به سمت خانه‌های خود می‌رفتند، در اثر انفجار یک ماین باقی مانده از جنگ‌های قبلی، زخمی شدند.

در ۱۸ اپریل ۲۰۲۵ در اثر انفجار یک ماین دیگر در ولسوالی زیباک ولایت بدخشان، سه کودک جان خود را از دست دادند و سه کودک دیگر زخمی شدند. یک تن از بستگان قربانیان گفته است که این کودکان هنگام جمع‌آوری هیزم، ماین را پیدا نموده و با آن بازی کرده بودند که در نهایت منجر به وقوع این فاجعه گردید.

در یک رویدادی دیگر در ۳۰ جون ۲۰۲۵ دو کودک در حوالی شهر فیروزکوه مرکز ولایت غور، در نتیجه انفجار یک سرگلوله هاوان کشته و یک تن دیگر زخمی شدند.

هرچند در شماری از مناطق کشور از جمله در حوزه جنوب غرب، به دلیل کاهش منازعات مسلحانه، میزان تلفات غیر نظامیان بر اثر انفجار ماین‌ها نیز کمتر شده است، اما آلودگی بخش‌های وسیع از کشور همچنان به مثابه تهدید جدی برای امنیت و حیات غیر نظامیان و به ویژه کودکان به شمار می‌رود. بنیاد هلوترست (The HALOTRUST) در گزارش جدیدی گفته است که ۶.۴ میلیون نفر در افغانستان، در معرض خطر مهمات منفجر نشده هستند و کودکان ۸۰ درصد قربانیان و مجروحان این انفجارها را تشکیل می‌دهند.^{۱۱}

قتل‌های هدفمند، مرموز و فرا قضایی

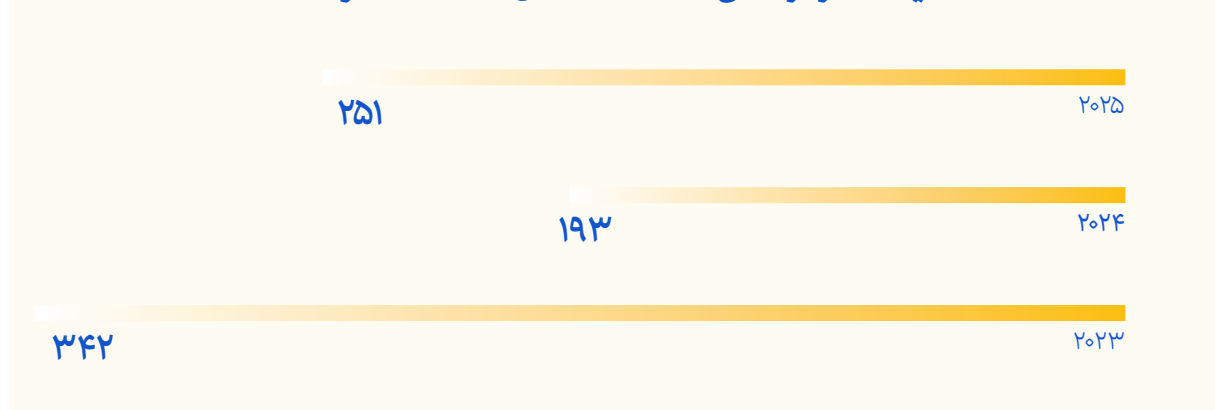
بر اساس داده‌های این گزارش، در جریان شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ حداقل ۲۵۱ تن شامل ۲۱۹ مرد، ۲۰ زن و ۱۲ کودک به‌صورت هدفمند، مرموز و فرا قضایی توسط طالبان و افراد ناشناس کشته و زخمی شده‌اند. این آمار نسبت به زمان مشابه در سال ۲۰۲۴ که ۱۹۳ مورد بود،^{۱۲} حدود ۳۰ درصد افزایش یافته است. هم‌چنین رقم مذکور در مقایسه با شش ماه نخست سال ۲۰۲۳ که ۳۴۲ مورد بود، حدود ۲۶.۶ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

11. بنیاد هلوترست، «از هر پنج افغان یک نفر در معرض خطر مین‌های زمینی و مواد منفجره است»، ۱۰ جون ۲۰۲۵، <https://www.halotrust.org/news/one-in-five-afghans-at-risk-of-landmines-and-explosives>
 12. رواداری، «وضعیت حقوق بشر در شش ماه نخست سال ۲۰۲۴»، ص ۸.

بر بنیاد شواهد بدست آمده، افرادی که هدف قرار گرفته‌اند عمدتاً شامل کارمندان حکومت پیشین، متهمان به عضویت یا همکاری با گروه‌های مخالف طالبان، معترضان، بزرگان قومی و متنفذان محلی بوده‌اند. شماری از افرادی که قبلاً با طالبان خصومت‌های شخصی داشته نیز مشمول قربانیان هستند.

روش‌های به‌کار گرفته شده برای قتل این افراد، شامل فیر مرمی، استفاده از سلاح سرد، سربردن و به آتش کشیدن بوده است. همچنین، شماری از آن‌ها قبل از به قتل رسیدن، اختطاف، بازداشت، تهدید یا مورد بازجویی قرار گرفته و برخی نیز پس از رهایی از بازداشت، به‌صورت مشکوک کشته شده‌اند.

مقایسه آمار در شش ماه نخست سال ۲۰۲۳، ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵



محدودیت‌های مستندسازی قتل‌های هدفمند، مرموز و فرا قضایی

قتل‌های هدفمند، مرموز و فرا قضایی یکی از پیچیده‌ترین اشکال نقض حق حیات در افغانستان به شمار می‌رود. زیرا طالبان از یک سو ارتکاب چنین قتل‌های را به افراد و گروه‌های ناشناس نسبت می‌دهند و از سوی دیگر به‌طور هدفمند برای پنهان‌سازی و کتمان اطلاعات مرتبط با آن تلاش می‌کنند. آنان از طریق تهدید و اعمال فشار، خانواده‌های قربانیان و سایر منابع محلی را از ارائه هرگونه معلومات در این زمینه، منع می‌کنند. بنابراین، در حال حاضر، مستندسازی کامل و دقیق قتل‌های هدفمند، مرموز و فرا قضایی، به‌ویژه در شهرهای بزرگ و مراکز ولایات بسیار دشوار و در برخی موارد عملاً غیر ممکن است. زیرا به دلیل فضای رعب و ترس ایجاد شده در جامعه، خانواده‌های قربانیان از پیامدهای احتمالی ارائه اطلاعات و همکاری در مستندسازی این رویدادها، می‌ترسند.

از سوی دیگر، طالبان رسانه‌ها و خبرنگاران را نیز از پوشش خبری رویدادهای از این دست به شدت منع نموده و در مواردی حتا آن‌ها را به مجازات و بازداشت تهدید کرده‌اند. شفاخانه‌ها و مراکز صحتی هم اجازه ندارند که معلوماتی را درباره هویت قربانیان منتشر کنند و یا آن‌را در اختیار رسانه‌ها و خبرنگاران قرار بدهند.^{۱۳} در حوزه جنوب غرب، تعدادی زیادی از این قتل‌ها را شفاخانه‌ها، ثبت نمی‌کنند و در مواردی که نشانه‌ها و شواهد واضح مبنی بر دست داشتن نیروهای طالبان وجود داشته باشد، اجساد قربانیان بلافاصله به شفاخانه‌های نظامی منتقل می‌شوند تا از انتشار معلومات مرتبط با چگونگی این رویدادها، جلوگیری شود.

افزون براین، در برخی موارد در حوزه جنوب غرب کشور، طالبان حتا خانواده‌های قربانیان را تحت فشار قرار داده تا روایت‌های تحریف شده و خلاف واقع ارائه نمایند. به‌طور مثال به آن‌ها دستور داده شده که این قتل‌ها را نتیجه خصومت‌های شخصی یا به عنوان یک رخداد جنایی مانند حمله دزدان مسلح یا این‌که کار دوستان قربانی بوده، توصیف کنند. به دلیل همین محدودیت‌ها، رواداری در شش ماه گذشته نتوانسته است به شواهد کافی در مورد هویت دقیق شماری از قربانیان دست پیدا نموده و آن‌ها را مستند سازی کند.

نکته قابل ذکر دیگر، شیوه‌های به کار گرفته شده در این گونه قتل‌ها می‌باشد. در سال‌های گذشته، افرادی که هدف قرار می‌گرفتند، در برخی موارد تنها زخمی می‌شدند یا از مرگ جان سالم بدر می‌بردند؛ اما در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ این قتل‌ها سازمان یافته‌تر و با شیوه‌های خشن‌تری انجام شده است. به طور مثال در حوزه جنوب غرب، مرتکبان ابتدا قربانیان را اختطاف نموده و سپس با به قتل رساندن آن‌ها اجسادشان را در جاهای دور انداخته‌اند. در مواردی، حتی قربانیان سربریده شده و یا به آتش کشیده شده‌اند.

با این حال و با توجه به این که طالبان طی چهار سال گذشته، به طور گسترده به تلاشی خانه‌ها، سرکوب افراد مسلح، جمع‌آوری سلاح و محدود کردن استفاده از آن اقدام نموده، در مورد هویت عاملان این رویدادها همچنان ابهام جدی وجود دارد و این که چه کسانی مسئول آن هستند، پاسخ قاطع و روشن در دست نیست. اما یافته‌های موجود حاکی از آن است که قتل‌های هدفمند، مرموز و فرا قضایی، به ویژه در مورد کارمندان حکومت پیشین، ماهیت سیستماتیک و گسترده دارد که با انگیزه‌های انتقام‌جویانه صورت می‌گیرد؛ زیرا شواهد بدست آمده، تکرار و شباهت‌های قابل توجه در شیوه اجرا و انتخاب قربانیان را نشان می‌دهد.

در شماری از این پرونده‌ها، از جمله موارد مربوط به قتل کارمندان حکومت پیشین و افرادی که به عضویت یا همکاری با گروه‌های مخالف متهم شده‌اند، شواهد معتبر حکایت از دست داشتن طالبان دارد. طالبان با استفاده از روش‌ها و تاکتیک‌های گوناگون و با انگیزه‌های انتقام‌جویانه این افراد را به قتل رسانده‌اند. به طور مثال آن‌ها کارمندان حکومت پیشین یا متهمان به همکاری با گروه‌های مخالف خود را به قتل می‌رسانند و سپس اتهام قربانیان را دزدی، بغاوت یا همکاری با داعش اعلام می‌کنند. در این مورد یک منبع وابسته به طالبان به رواداری گفته است که نیروهای این گروه، «مخالفان نظامی، منتقدان و افرادی را که آنان به عنوان «بغاوت‌گر» می‌شناسند، پس از بازداشت به قتل می‌رسانند.»

اقدامات طالبان برای پیگرد مرتکبان قتل‌های هدفمند، مرموز و فرا قضایی

بر مبنای مفاد و مقررات مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله ماده ۲ و ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌ها موظف‌اند که نه تنها از وقوع نقض حق حیات و قتل‌های خودسرانه افراد جلوگیری کنند بلکه موارد ارتکاب یافته را به صورت مؤثر، بی‌طرفانه و مستقل، تحقیق و عاملان آن‌را پاسخ‌گو سازند.^{۱۴} خودداری از چنین مسئولیتی، موجب نهادینه شدن فرهنگ مصونیت از مجازات و استمرار نقض حقوق بشر می‌گردد.

با این حال، در جریان ۴ سال گذشته طالبان در مورد محاکمه و مجازات عاملان قتل‌های هدفمند، مشکوک و فرا قضایی اقدام شفافانه انجام نداده و به مردم در مورد اجراءات خود در این زمینه اطلاع‌رسانی نکرده‌اند. به همین دلیل، این پرونده‌ها بدون هرگونه رسیدگی قانونی باقی مانده است؛ امری که از یک سو به تداوم چرخه انتقام و خشونت‌های جاری منجر شده و از سوی دیگر، حق خانواده‌های قربانیان برای دسترسی به عدالت را نقض کرده است.

همچنین، از میان ۲۵۱ مورد قتل هدفمند، مشکوک و فرا قضایی که در جریان شش ماه نخست امسال ارتکاب یافته است، طالبان تنها دو تن را در ولایت‌های هلمند و قندهار دستگیر نموده که در مورد چگونگی محاکمه و مجازات این افراد معلوماتی در دست نیست. در ارتباط با موارد باقی‌مانده، آن‌ها هیچ اقدامی برای رسیدگی قانونی و تعقیب عدلی و قضایی عاملان قتل‌های هدفمند، مرموز و فرا قضایی انجام نداده‌اند. عدم رسیدگی قانونی به این پرونده‌ها علاوه بر آن که عدم التزام طالبان به انجام مسئولیت‌های حقوقی شان در زمینه تأمین امنیت و مصئونیت شهروندان را نشان می‌دهد، همچنان به تداوم معافیت از مجازات و استمرار فضای رعب و ترس نیز منجر شده است.

همان‌گونه که توضیح داده شد طالبان با حساسیت جدی از انتشار معلومات مرتبط با این رویدادها جلوگیری می‌کنند. محاکم و دیگر مراجع ذیربط نیز، نه تنها از اجراءات خود در مورد رسیدگی به این گونه پرونده‌ها به مردم گزارش نشان نمی‌دهند، بلکه به هیچ‌نوع تحقیق درباره آن نیز اجازه نمی‌دهند. اطلاعات بدست‌آمده از حوزه قندهار نشان می‌دهد طالبان افرادی را که در مورد این گونه قتل‌ها تحقیق و معلومات جمع‌آوری نمایند، بازداشت می‌کنند.

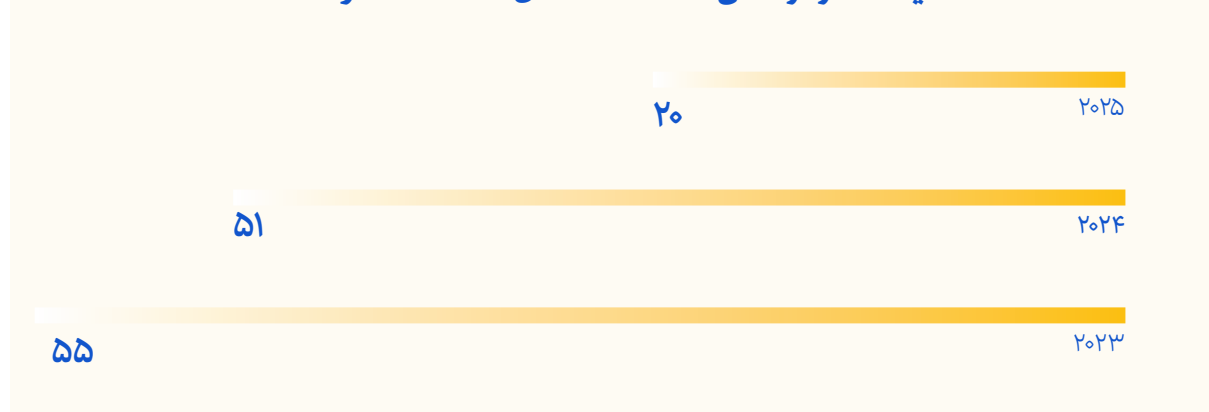
۱۴ - میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۲ و ۶.

قتل سازمان‌یافته کارمندان حکومت پیشین

در جریان شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ دست‌کم ۲۰ تن از کارمندان حکومت پیشین به‌صورت هدفمند، مرموز و فرا قضایی کشته و زخمی شده‌اند.

در شش ماه نخست سال ۲۰۲۴ به تعداد ۵۱ تن از کارمندان حکومت پیشین در نتیجه حملات هدفمند کشته و زخمی شده بودند. مقایسه هر دو آمار نشان می‌دهد که موارد ثبت شده در این دوره گزارش‌دهی حدود ۶۰ درصد کاهش یافته است. هم‌چنین آمار نیمه نخست سال ۲۰۲۵ نسبت به شش ماه نخست سال ۲۰۲۳ که ۵۵ مورد ثبت شده بود، کاهش معادل ۶۳.۶ درصد را نشان می‌دهد.

مقایسه آمار در شش ماه نخست سال ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴، ۲۰۲۵



هرچند، مقایسه داده‌های مربوط به قتل کارمندان حکومت پیشین در نیمه نخست سال ۲۰۲۵ نسبت به دوره‌های مشابه در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۳ کاهش را نشان می‌دهد اما این موضوع نشان‌دهنده بهبود وضعیت نیست بلکه عمدتاً ناشی از محدودیت شدید در دسترسی به اطلاعات و مستندسازی این رویدادها می‌باشد.

یافته‌های این گزارش حاکی از آن است که طالبان و به‌ویژه اداره استخبارات آن‌ها با استفاده از روش‌ها و تاکتیک‌های گوناگون، کارمندان حکومت پیشین را هدف حملات انتقام‌جویانه قرار می‌دهند. به‌طور مثال، در ماه فیبروری ۲۰۲۵ یک نظامی سابق در ولسوالی ارغنداب ولایت قندهار، پس از یک مشاجره لفظی با شلیک مرمی توسط طالبان به قتل رسید. نزدیکان این نظامی سابق به رواداری گفته‌اند که او شغل دکانداری داشت و پس از یک مشاجره لفظی با طالبان، کشته شد. اما طالبان با نشر اعلامیه‌ای در مورد این قضیه گفتند که یک سارق در درگیری با آن‌ها به قتل رسیده است.

هم‌زمان، در تاریخ ۲۶ مارچ ۲۰۲۵ یک فرمانده نظامی پیشین در ولایت غور، پس از بازداشت توسط اداره استخبارات طالبان به قتل رسید. روز بعد طالبان جسد او را به خانواده‌اش تسلیم کردند؛ اما تا کنون در مورد این رویداد هیچ توضیحی نداده‌اند. هم‌چنین، در تاریخ ۲۴ می ۲۰۲۵ یک عضو پولیس محلی پیشین در ولسوالی تیوره این ولایت در خانه‌اش حلق‌آویز شد. منابع محلی گفته‌اند که طالبان او را در خانه‌اش اعدام کرده است. از سوی دیگر، در تاریخ؟؟؟ یک افسر پیشین قوماندانی امنیه ولایت بادغیس که توسط اداره استخبارات بازداشت شده بود، پس از چند ساعت، تیرباران شد. طالبان بعداً اعلام کردند که از جیب این نظامی سابق نارنجک پیدا کرده بودند.

علاوه بر رویدادهای پیش‌گفته، مواردی از قتل کارمندان حکومت پیشین توسط افراد مسلح ناشناس نیز وجود دارد که درباره هویت این افراد و انگیزه قتل، اطلاعی در دست نیست. به‌طور مثال در ماه جنوری ۲۰۲۵ یک کارمند ریاست عمومی امنیت ملی پیشین، در منطقه صوفیان ولایت هلمند از سوی افراد ناشناس کشته شد. او مشغول دکانداری بود و بر اساس اظهارات بستگانش، با هیچ‌کسی دشمنی و خصومت نداشت. در

هم‌چنین در یک رویداد دیگر، در تاریخ ۶ جون سال جاری، یک کارمند امنیت ملی پیشین از ولایت غزنی، در شهر کابل به‌صورت مشکوک به قتل رسید. بستگان این نظامی پیشین گفته است که او در روز اول عید قربان ناپدید شد و سه روز بعد جسدش از سردخانه یکی از شفاخانه‌های کابل پیدا شد. طالبان علت مرگ را خودکشی اعلام کردند؛ ادعایی که خانواده قربانی آن‌را رد می‌کند. به همین ترتیب، در تاریخ ۲۴ مارچ ۲۰۲۵، نیروهای طالبان یک نظامی پیشین را از خانه‌اش در حوزه چهارم شهر کابل بازداشت کردند. یک روز بعد خانواده او جسد بی‌جان‌ش را از ولسوالی شکر دره کابل پیدا کردند. به گفته بستگان قربانی، طالبان پیش از بازداشت از همسایگان آدرس او را پرسیده بودند و سپس وی را بازداشت کردند. براساس اظهارات این منبع، قربانی همواره نسبت به امنیت خود نگران بود، زیرا قبلاً از سوی طالبان تهدیدهای دریافت کرده بود. طالبان تاکنون در مورد این رویداد هیچ‌گونه توضیح یا اطلاعاتی ارائه نکرده‌اند.



مورد انگیزه و هویت عاملین قتل معلوماتی وجود ندارد. همین‌طور، در تاریخ ۴ جون ۲۰۲۵ افراد مسلح ناشناس یک نظامی پیشین را در شهر فیض آباد ولایت بدخشان تیرباران کردند. در مورد هویت عاملان این رویداد نیز اطلاعی در دست نیست. در ولسوالی خواجه سبز پوش ولایت فاریاب، افراد مسلح ناشناس در ۲۷ جنوری و ۸ می ۲۰۲۵ سه نظامی پیشین را تیرباران کردند.

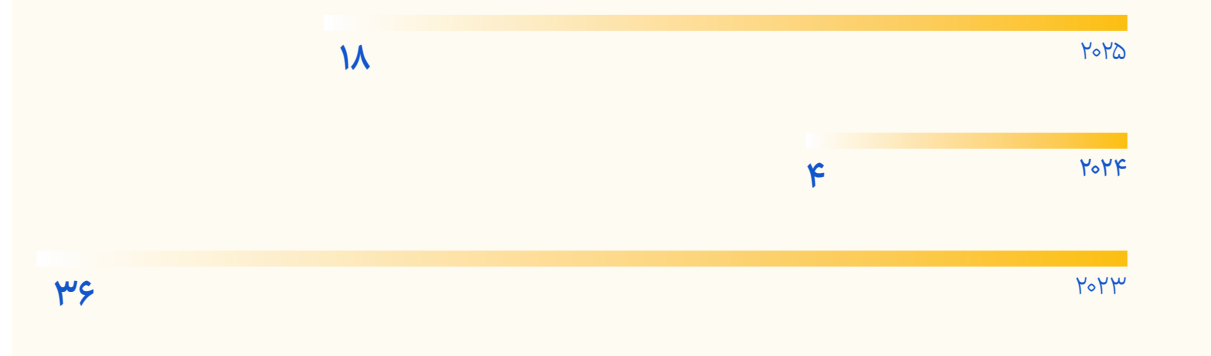
همان‌گونه که در بخش‌های قبلی این گزارش مطرح شد، طالبان برای تعقیب عدلی و مجازات عاملان قتل‌های فرا قضایی کارمندان حکومت پیشین، نه تنها هیچ‌گونه اقدام مؤثر انجام نداده؛ بلکه از زمان بازگشت به قدرت در ۱۵ آگست ۲۰۲۱، این افراد در سراسر کشور، هدف حملات مرگبار و انتقام جویانه قرار داشته‌اند.

هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان نیز در گزارش‌های اعلام کرده است که در فاصله زمانی ۱ جنوری تا ۳۰ جون ۲۰۲۵، دست‌کم ۱۳ مورد قتل نیروهای امنیتی و دفاعی سابق را مستند سازی کرده است.^{۱۵}

قتل فرا قضایی افراد متهم به عضویت یا همکاری با گروه‌های مخالف

بر بنیاد یافته‌های این گزارش، طالبان در جریان ۶ ماه نخست سال ۲۰۲۵ دست‌کم ۱۸ تن از افراد غیر نظامی را به اتهام همکاری و داشتن ارتباط با گروه‌های مخالف خود، به قتل رسانده‌اند. این آمار با تفاوت ۱۴ مورد در شش ماه نخست ۲۰۲۴ حدود ۴ برابر بیشتر شده است. هم‌چنین، آمار ثبت شده در نیمه نخست سال ۲۰۲۵ نسبت به دوره مشابه در سال ۲۰۲۳ حدود دو برابر افزایش را نشان می‌دهد.

مقایسه آمار در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵، ۲۰۲۴ و ۲۰۲۳



شواهد بدست‌آمده حاکی از آن است که اداره استخبارات طالبان افراد متهم به عضویت یا همکاری با گروه‌های مخالف خود را با شیوه‌ها و تاکتیک‌های مشابه با قتل کارمندان حکومت پیشین، مورد هدف قرار داده‌اند. به‌طور مثال، آن‌ها

یک باشنده ولسوالی انجیل ولایت هرات را به اتهام همکاری با گروه‌های مخالف خود، در ماه مارچ ۲۰۲۵ بازداشت و پس از سه روز، جسدش را به خانواده وی تسلیم کردند. این فرد بعد از سقوط حکومت پیشین، به ایران رفته بود که ۱۰ روز بعد از بازگشت به زادگاهش، از سوی طالبان بازداشت و سپس به قتل رسید. همین‌طور، طالبان در تاریخ ۳۰ اپریل ۲۰۲۵ یک‌تن از بزرگان محلی ولسوالی کشک رباط سنگی ولایت هرات را به اتهام همکاری با مخالفان خود بازداشت کردند. بر اساس معلومات منابع محلی، این فرد سه ساعت پس از بازداشت، به قتل رسید.

15. هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان، وضعیت حقوق بشر در افغانستان: گزارش تازه جنوری-مارچ ۲۰۲۵، صفحه ۴، https://unama.unmissions.org/sites/default/files/dari_-_unama_hrs_update_on_human_rights_in_afghanistan_april-june-2025_final_0.pdf و وضعیت حقوق بشر در افغانستان: گزارش تازه اپریل-جون ۲۰۲۵، ص ۵، https://unama.unmissions.org/sites/default/files/dari_-_unama_hrs_update_on_

در یک رویداد دیگر، در تاریخ ۲۵ جنوری ۲۰۲۵ طالبان دو مرد را به اتهام سرقت، در ولسوالی انجیل ولایت هرات تیرباران کردند. معلومات بدست آمده نشان می دهد که اتهام اصلی این افراد عضویت در جبهات مخالف طالبان بوده است، اما مسئولان محلی طالبان برای پنهان سازی انگیزه های این قتل، اتهام قربانی را سرقت اعلام کرده اند.

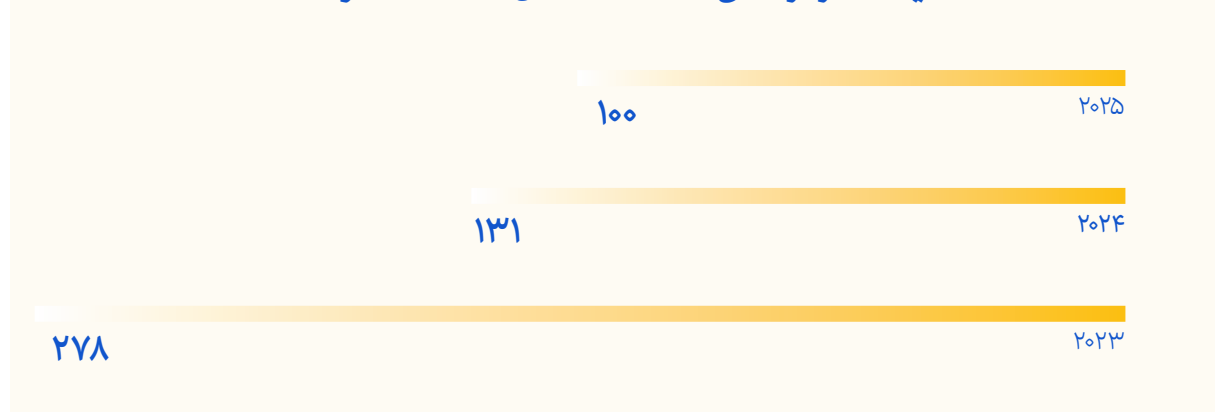
در تاریخ ۲۴ فیبروری ۲۰۲۵ افراد طالبان یک مرد جوان را در مربوطات ولسوالی بگرام ولایت پروان به اتهام همکاری با جبهه آزادی بازداشت و بعد از یک هفته تیرباران کردند. بر بنیاد معلومات بدست آمده، یک تن از بستگان این جوان که در زندان بوده است به او تماس می گیرد و می گوید که از زندان آزاد شده و به دیدن اش بیاید. وقتی او به آدرس داده شده می رود، طالبان وی را بازداشت و به زندان بگرام منتقل می کنند. طالبان دلیل بازداشت این فرد را حمل سلاح عنوان کرده بودند؛ اما منابع محلی گفته اند که او به اتهام همکاری با جبهه مقاومت ملی و جبهه آزادی به قتل رسیده است.

قتل های مرموز و فرا قضایی سایر شهروندان غیر نظامی

در جریان شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ دست کم ۱۰۰ تن از شهروندان غیر نظامی به صورت مرموز و فرا قضایی توسط طالبان و افراد مسلح ناشناس کشته و زخمی شده اند. از این میان به تعداد ۳۹ تن شامل ۳۲ مرد، ۶ زن و ۱ کودک کشته شده و ۶۱ نفر دیگر شامل ۵۸ مرد، ۲ زن و ۱ کودک زخمی شده اند. معترضان، حامیان و طرفداران حکومت پیشین، بزرگان قومی، علمای دینی و افراد متنفذ محلی مشمول افرادی هستند که در این دوره گزارش دهی، کشته و زخمی شده اند. از این میان به تعداد ۳۹ نفر از این افراد در گردهمایی ها و تجمعات مسالمت آمیز کشته و زخمی شده اند که در بخش مربوطه توضیح داده خواهد شد.

در شش ماه نخست سال ۲۰۲۴ به تعداد ۱۳۱ تن از سایر افراد غیر نظامی در رویدادهای مشابه کشته و زخمی شده بودند. بنابراین، مقایسه هر دو آمار نشان می دهد که در این دوره گزارش دهی، تعداد سایر افراد غیر نظامی که به طور فرا قضایی و مرموز به قتل رسیده اند ۲۳ درصد کاهش یافته است. هم چنین این آمار در مقایسه با اطلاعات ثبت شده در زمان مشابه در سال ۲۰۲۳ که ۲۷۸ مورد بود، بیش از دو برابر کاهش را نشان می دهد.

مقایسه آمار در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵، ۲۰۲۴ و ۲۰۲۳



در مورد قتل های فرا قضایی و مشکوک سایر شهروندان غیر نظامی نکته مهم آن است که بخش قابل توجهی از قربانیان چنان که گفته شد، از میان چهره های با نفوذ محلی و بزرگان قومی یا مذهبی بوده اند. فقدان دسترسی به معلومات معتبر درباره هویت عاملان این رویدادها از دیگر موارد قابل توجه است که پرسش ها و نگرانی های جدی را برانگیخته است. زیرا طالبان نه برای شناسایی و مجازات این افراد اقدامی می کنند و نه درباره هویت آن ها به خانواده های قربانیان و مردم گزارش می دهند.

علاوه بر این، شواهد نشان می دهد که طالبان در مواردی که نیروهای خودشان به صورت علنی در چنین قتل های دست داشته نیز با اغماض و چشم پوشی برخورد کرده اند. بنابراین، عدم پیگیری قضایی عاملان این رویدادها و محرومیت خانواده های قربانیان از دسترسی به عدالت، از نگرانی های جدی می باشد که در واقع موجب تداوم قتل های مرموز و فراقضایی شهروندان، به عنوان یکی از اشکال جدی نقض حق حیات شده است.

در ماه فیبروری ۲۰۲۵، یک بزرگ قومی در ولایت زابل به صورت مشکوک به قتل رسید. طالبان در مورد هویت عاملان این رویداد چیزی نگفته و نیز

برای بازداشت آن‌ها اقدامی انجام نداده‌اند. همین‌طور در ماه اپریل ملا امام یک مسجد در ولسوالی خاکریز ولایت قندهار، از سوی افرادی که هویت‌شان معلوم نیست ترور شد.

در همین حال، در ماه جنوری ۲۰۲۵ فرمانده طالبان در ولسوالی قادس ولایت بادغیس، دو زن را بر اساس معلومات بستگان آن‌ها، به دلیل خصومت شخصی به قتل رساندند. از سوی دیگر، در ماه جون ۲۰۲۵ طالبان یک‌تن از علمای مذهب سلفی را در ولسوالی شهدای ولایت بدخشان به قتل رساندند.

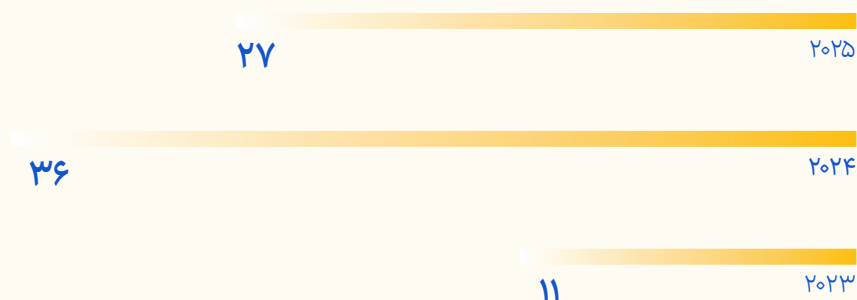
در تاریخ ۱۸ اپریل ۲۰۲۵ افراد مسلح ناشناس یک باشنده ولایت فاریاب را که شغل دکانداری داشت در بازار ولسوالی المار این ولایت به قتل رساندند و خودشان فرار کردند. همین‌طور، در تاریخ ۱۲ جون ۲۰۲۵ یک باشنده ولسوالی دولتیار ولایت غور، به صورت مرموز کشته شد. مردم محل جسد مثله‌شده او را از روستا پیدا نموده و به خانواده‌اش تحویل دادند.

ناپدید سازی اجباری

ناپدیدسازی اجباری، به بازداشت، توقیف، اختطاف یا هرگونه محروم‌سازی افراد از آزادی توسط مأموران دولت یا اشخاص یا گروه‌هایی گفته می‌شود که با رضایت، حمایت یا سکوت دولت صورت می‌گیرد. ویژگی اصلی این عمل خودداری عمدی از اطلاع‌رسانی درباره دلایل بازداشت، سرنوشت و محل نگهداری قربانیان می‌باشد.^{۱۶} با این وجود، تحقق ناپدیدسازی اجباری، تابع مدت زمان مشخص نیست، بلکه از زمان ربودن یا بازداشت آغاز می‌شود و تا زمانی که سرنوشت و محل نگهداری فرد ناپدیدشده مشخص نشود و او هم‌چنان خارج از حمایت‌های قانونی قرار داشته باشد، ادامه پیدا می‌کند.^{۱۷} اساسنامه دادگاه جزایی بین‌المللی ناپدید کردن اجباری افراد را در زمره شدیدترین نقض حقوق بشر و به عنوان مصداقی از جنایت علیه بشریت به رسمیت شناخته است.^{۱۸}

با این حال، یافته‌های گزارش حاضر نشان می‌دهد که در جریان شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ حداقل ۲۷ تن در ۶ ولایت افغانستان^{۱۹}، پس از بازداشت توسط طالبان و افراد ناشناس ناپدید شده‌اند. این آمار در مقایسه با سال ۲۰۲۴ که ۳۶ مورد بود^{۲۰}، حدود ۲۵ درصد کاهش را نشان می‌دهد. هم‌چنین، مقایسه آمار ناپدیدسازی اجباری مربوط به این دوره گزارش دهی نسبت به زمان مشابه در سال ۲۰۲۳ که ۱۱ مورد بود بیش از ۲ برابر افزایش را نشان می‌دهد.

مقایسه آمار در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵، ۲۰۲۴ و ۲۰۲۳



16 . مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از همه افراد در برابر ناپدیدسازی اجباری، (۲۰ دسامبر، ۲۰۰۶)، قطع نامه، ۱۷۷/۶۱ ماده ۲.

17 . شورای حقوق بشر، گروه کاری ناپدیدسازی‌های اجباری یا غیرارادی، گزارش شانزدهمین نشست، A/HRC/16/48، جنوری ۲۰۱۱، تفسیر عمومی بند ۱.

18 . اساسنامه رم، دادگاه جزایی بین‌المللی، (۱۷ جولای ۱۹۸۸)، UNTS 90 2187، ماده ۷ (۱)، (i).

19 . غزنی، هرات، بدخشان، غور، قندهار و بلخ.

20 . رواداری، وضعیت حقوق بشر در شش ماه نخست سال ۲۰۲۴، ص ۱۲.

قربانیان ناپدیدسازی اجباری، عمدتاً شامل کارمندان حکومت پیشین، افراد متهم به عضویت یا همکاری با گروه‌های مخالف و نیز بزرگان قومی یا مذهبی بوده‌اند. این افراد به صورت غیر قانونی بازداشت و سپس ناپدید شده و طی این مدت، از تمام حقوق اساسی خود از جمله حق دسترسی به وکیل مدافع، امکان ارتباط با خانواده و سایر حمایت‌های قانونی محروم بوده‌اند. طالبان به صورت عمدی در مورد محل نگهداری و سرنوشت این افراد اطلاع‌رسانی نکرده و در برخی موارد، قربانیان را پس از بازداشت، شکنجه نموده و به قتل رسانده‌اند که اجسادشان بعداً پیدا شده است.

یافته‌های این گزارش هم‌چنان نشان می‌دهد که ناپدیدسازی اجباری عمدتاً از سوی اداره استخبارات و به عنوان ابزاری برای انتقام‌جویی، سرکوب و حذف فیزیکی کارمندان حکومت پیشین و افراد متهم به عضویت یا همکاری در گروه‌های مخالف، صورت گرفته است. به طور مثال، در تاریخ ۳ می ۲۰۲۵ نیروهای استخبارات طالبان یک تن از علمای مذهب سلفی در ولسوالی شهدای ولایت بدخشان را بازداشت و ناپدید کردند. پس از ۶ روز، جسد این فرد در حالی که تیر باران شده بود، از رودخانه ولسوالی جرم این ولایت پیدا شد. منابع محلی گفته‌اند که او به اتهام داشتن ارتباط با گروه داعش بازداشت و ناپدید شده بود. در یک رویداد دیگر، در ولایت قندهار، یک نظامی پیشین که مدتی ناپدید شده بود در تاریخ ۱۱ اپریل ۲۰۲۵ جسدش با سر جدا شده از بدن پیدا شد.

همین‌طور، در ۲۸ اپریل ۲۰۲۵ یک باشنده شهر فیض‌آباد ولایت بدخشان، از سوی طالبان بازداشت و ناپدید شد. از آن زمان تا هنگام تهیه این گزارش که مدت بیشتر از دو ماه می‌گذرد، هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره محل نگهداری و سرنوشت وی در دست نیست. بستگان این فرد گفته‌اند که او با هیچ گروهی ارتباط نداشت و طالبان در مورد دلیل بازداشت و محل نگهداری او معلومات نمی‌دهند. در یک رویداد مشابه در ولایت غور، طالبان در ماه می سال جاری یک مرد را به اتهام عضویت در حزب التحریر بازداشت و ناپدید کردند. با گذشت ۲ ماه از این رویداد، هنوز هیچ اطلاعی از محل نگهداری و سرنوشت او وجود ندارد. بنابر معلومات بدست‌آمده، نیروهای استخبارات قبلاً نیز این فرد را بازداشت کرده بودند.

علاوه بر موارد یاد شده، سایر نیروهای طالبان نیز در این دوره‌ی گزارش‌دهی به صورت خودسرانه افراد را بازداشت، ناپدید و شکنجه کرده‌اند. وضعیتی که نوعی هرج و مرج و رفتارهای فرا قانونی در ادارات تحت کنترل طالبان را نشان می‌دهد. به عنوان نمونه، یک‌تن از سربازان یک حوزه امنیتی در ولایت قندهار به سفارش یک دوست خود، فردی را که با او دعوای حقوقی داشته، ربوده و سپس ناپدید کرده است. قربانی طی این مدت، در مکان نامعلوم در بازداشت بوده و به شدت شکنجه شده است؛ به گونه‌ای که به او مواد نشه‌آور داده، او را با زنجیر بسته و تهدید به مرگ کرده بودند. این فرد پس از رهایی از کسی که او را ناپدید و شکنجه کرده بود، در محکمه طالبان شکایت نموده است.

موارد دیگری از ناپدیدسازی اجباری کارمندان حکومت پیشین توسط افراد ناشناس نیز وجود دارد چنان‌که در ۱۴ اپریل ۲۰۲۵ یک نظامی پیشین در ولسوالی پسانبد ولایت غور، از خانه بازداشت و ناپدید شد. در مورد هویت عاملان، محل نگهداری و سرنوشت قربانی هنوز هیچ‌گونه معلوماتی در دست نیست. مسئولان محلی طالبان در مورد شناسایی، پیگرد و مجازات این افراد ناشناس اقدامی انجام نداده و یا از اجراآت خود به خانواده‌های قربانیان گزارشی ارائه نکرده‌اند.

از سوی دیگر، مستند کردن رویدادهای ناپدیدسازی اجباری، به دلیل محدودیت‌های سخت‌گیرانه موجود و به‌ویژه عدم دسترسی به خانواده‌های قربانیان دشوار و چالش‌برانگیز است. طالبان همانند قتل‌های فرا قضایی، در مورد پرونده‌های مربوط به ناپدیدسازی اجباری نیز، محدودیت‌های گسترده وضع نموده و از انتشار هرگونه معلومات در این زمینه، جلوگیری می‌کنند. بنابراین، ممکن است تعداد موارد ناپدیدسازی اجباری بیش‌تر از آماری باشد که در این گزارش مطرح شده است.

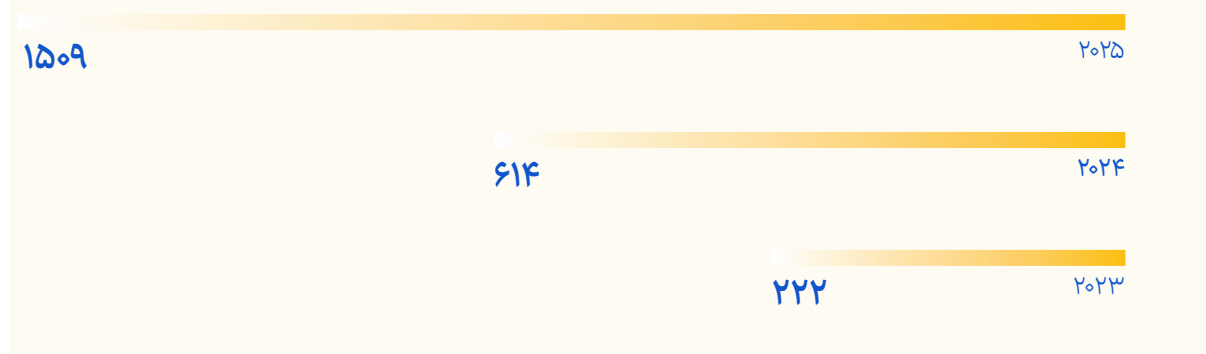
بازداشت خودسرانه و غیرقانونی

به موجب ماده نهم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هرکسی حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ‌فرد نباید تحت بازداشت و یا دستگیری خودسرانه قرار گیرد و هیچ‌کس نباید از آزادی و امنیت شخصی خود محروم شود مگر در صورتی که قانون و اصول محاکمه عادلانه حکم کند.^{۲۱} بنابراین، هرگاه بازداشت بدون حکم قضایی معتبر یا مجوز قانونی و بدون رعایت اصول و مقررات مندرج در قوانین صورت گیرد و افراد از دسترسی به محاکمه عادلانه محروم شوند، مصداق نقض حق آزادی و امنیت شخصی محسوب می‌گردد.

با این حال، یافته‌های گزارش حاضر نشان می‌دهد که طی ۶ ماه نخست سال ۲۰۲۵، دست‌کم ۱۵۰۹ تن به شمول ۱۶ زن به‌صورت خودسرانه و غیرقانونی بازداشت و زندانی شده‌اند. رواداری در دوره‌ی مشابه در سال ۲۰۲۴ در مجموع ۶۱۴ مورد بازداشت خودسرانه و غیرقانونی را ثبت نموده بود.^{۲۲} مقایسه هردو آمار نشان می‌دهد که میزان بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی در این دوره گزارش‌دهی دو برابر افزایش یافته است. همین‌طور، مقایسه داده‌های مربوط به ۶ ماه نخست سال ۲۰۲۵ با دوره مشابه در سال ۲۰۲۳ که ۲۲۲ مورد بود افزایش ۶ برابری را نشان می‌دهد.

سرکوب گسترده اقدامات مدنی و انتقام‌جویی از مخالفان و منتقدان، عدم التزام طالبان به اصول محاکمه عادلانه، وجود رفتارهای فرا قانونی و به‌ویژه اعطای اختیارات نامحدود به اداره امر به معروف در بازداشت و زندانی کردن افراد، از مهم‌ترین دلایل افزایش آمار در این بخش می‌باشد.

مقایسه آمار در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵، ۲۰۲۴ و ۲۰۲۳



کارمندان حکومت پیشین، افراد متهم به عضویت در گروه‌های مخالف نظامی و سیاسی طالبان، فعالان مدنی و خبرنگاران، کاربران شبکه‌های اجتماعی، علمای دینی، معترضان و زنان مشمول افرادی هستند که در جریان شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ توسط طالبان به‌طور خودسرانه و غیرقانونی بازداشت و زندانی شده‌اند. اتهام افراد یاد شده حمل سلاح، همکاری با گروه‌های مخالف نظامی و سیاسی، انتقاد و تبلیغات علیه طالبان و سرپیچی از قانون امر به معروف در مورد داشتن محرم شرعی، نحوه پوشش، اندازه ریش و موی سر مردان، شنیدن موسیقی، حاضر نشدن در نماز جماعت، صحبت با زنان، فروش اموال به زنان در فروشگاه‌ها، و برگزاری گردهمایی‌ها و تجمعات اعتراضی بوده است.

عاملان بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی

بنابر یافته‌های این گزارش، بیش‌ترین موارد بازداشت‌های خودسرانه توسط دو اداره استخبارات و امر به معروف صورت گرفته است. نیروهای استخبارات عمدتاً کارمندان حکومت پیشین، مخالفان و معترضان، علمای دینی، خبرنگاران، فعالان مدنی و کاربران شبکه‌های اجتماعی را با هدف سرکوب و انتقام‌جویی، بدون ارائه هرگونه سند رسمی، اعلام اتهام یا رعایت اصول و موازین محاکمه عادلانه، بازداشت و زندانی کرده‌اند.

اداره امر به معروف نیز بی‌اعتنا به اصول و موازین یاد شده، شهروندان را به دلیل عدم تبعیت از مقررات سخت‌گیرانه این نهاد به‌طور گسترده

21 . میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۹.

22 . رواداری، وضعیت حقوق بشر در شش ماه نخست سال ۲۰۲۴، ص ۱۱.

بازداشت نموده‌اند. ماموران این اداره به‌ویژه پس از انتشار قانون امر به معروف و نهی از منکر، زنان را با اتهام‌های مختلف از رستوران‌ها، وسایط حمل و نقل عمومی، شفاخانه‌ها، شهرها و دیگر اماکن عمومی در بخش‌های گوناگون کشور، بازداشت و زندانی کرده‌اند. این زنان با توجه به نوع اتهامات نسبت داده شده، از چند ساعت تا چندین ماه در بازداشت سپری کرده و طی این مدت از تمامی حقوق قانونی خود نیز محروم بوده‌اند.

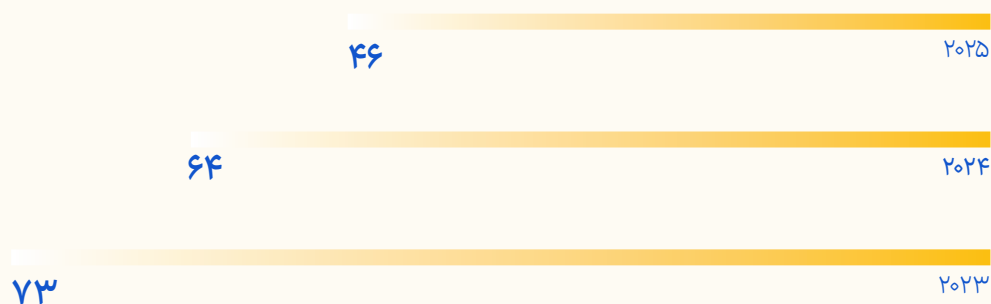
چنان‌که در جریان شش ماه نخست سال ۲۰۲۵، تنها در حوزه جنوب غرب کشور، دست‌کم ۲۵۰ نفر توسط ماموران امر به معروف طالبان به دلیل آن‌چه سرپیچی از قانون این اداره در مورد نوع پوشش، اندازه و سبک ریش و موی سر، حاضر نشدن به نماز جماعت و موارد دیگری از این دست خوانده می‌شود، بازداشت و زندانی کرده‌اند.

افزون براین، نهادها و دیگر مسئولان محلی از جمله قوماندانی‌های امنیه، والی‌ها، ولسوال‌ها و مسئولان ادارات محلی نیز، طی این مدت حق آزادی و امنیت شخصی شهروندان را به‌صورت خودسرانه نقض نموده و آنان را در بازداشتگاه‌های شخصی نگهداری کرده‌اند. به‌طور مثال، مسئول اداره محلی زراعت طالبان در یکی از ولسوالی‌های حوزه جنوب غرب کشور، یک‌شخص را به اتهام پرداخت نکردن اجاره زمین‌اش، به مدت ده روز در دفتر کاری خود زندانی کرده بود. این وضعیت نشان می‌دهد که نیروهای طالبان با احساس مصونیت از هرگونه پاسخ‌گویی، در هر سطحی از صلاحیت، می‌توانند افراد را به‌صورت خودسرانه و غیرقانونی بازداشت و زندانی نمایند.

الف- بازداشت خودسرانه کارمندان حکومت پیشین

بنابر یافته‌های این گزارش، در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ دست‌کم ۴۶ تن از کارمندان حکومت پیشین اعم از ملکی و نظامی به‌صورت غیرقانونی عمدتاً توسط اداره استخبارات طالبان بازداشت و زندانی شده‌اند. مقایسه آمار نشان می‌دهد که تعداد دستگیری و بازداشت خودسرانه کارمندان حکومت پیشین نسبت به دوره مشابه در سال ۲۰۲۴ که ۶۴ مورد بود حدود ۲۸.۱ درصد کاهش یافته است. همین‌طور این آمار در مقایسه با شش ماه نخست سال ۲۰۲۳ که ۷۳ مورد بود حدود ۳۶.۹ درصد کاهش را نشان می‌دهد. افزون بر محدودیت‌های اعمال شده بر دسترسی به اطلاعات، مهاجرت اجباری بخش قابل توجهی از کارمندان حکومت پیشین به خارج از کشور، و نیز اقدامات انتقام‌جویانه در چهار سال گذشته، ممکن است دلیل کاهش آمار در این بخش باشد.

مقایسه آمار بازداشت‌های خودسرانه کارمندان حکومت پیشین در شش ماه نخست سال ۲۰۲۳، ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵



در تاریخ ۱۱ مارچ ۲۰۲۵، استخبارات طالبان یک نظامی پیشین را به اتهام داشتن سلاح، در شهر فیروزکوه، مرکز ولایت غور بازداشت کردند. او مدت دو ماه در زندان بود و در برابر یک میل سلاح که توسط خانواده‌اش تهیه و به طالبان تسلیم داده شده، آزاد گردید. هم‌چنین،

در ولایت دایکندی نیز اداره استخبارات طالبان در تاریخ ۲ و ۲۳ جنوری ۲۰۲۵ دو تن از نظامیان سابق را در ولسوالی کیتی، به اتهام داشتن سلاح بازداشت و شکنجه کردند. این افراد پس از یک هفته، از زندان رها شدند.



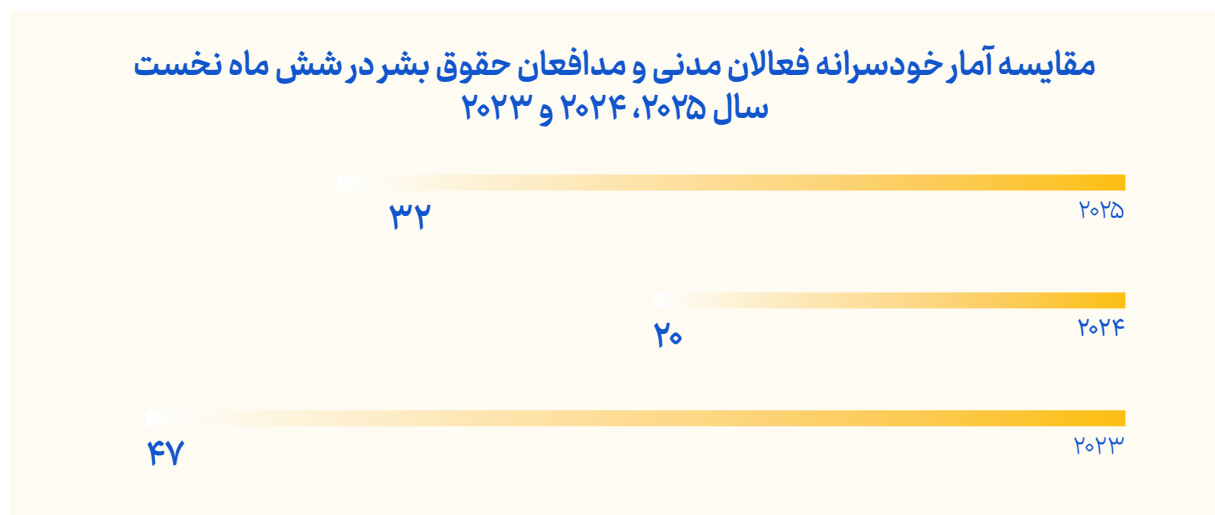
در ماه مارچ ۲۰۲۵ نیروهای استخبارات در ولایت غزنی، یک نظامی پیشین را که به تازگی از ایران بازگشته بود، بازداشت کردند. او مدت دو شب در زندان طالبان بود و تحت شکنجه شدید، مجبور به افشای نام و آدرس دو تن از همکاران سابق خود شد. طالبان سپس همکاران او را نیز بازداشت نموده و آنان را مجبور به پرداخت پول نمودند. این افراد در برابر هر میل اسلحه که طالبان ادعا می‌کردند نزد آن‌ها است، مبلغ یک‌صد و بیست هزار افغانی پرداخت کردند.

در یک رویداد دیگر، در ۱۳ مارچ ۲۰۲۵ طالبان یک نظامی سابق را در ولسوالی خواجه سبزپوش ولایت فاریاب به اتهامی که اعلام نکرده‌اند، بازداشت نمودند. هم‌چنین، آن‌ها در ۱۰ جنوری ۲۰۲۵ دو نظامی پیشین را در ولایت بادغیس بازداشت و زندانی کردند. در ولایت پروان نیز طالبان یک کارمند حکومت پیشین را در تاریخ ۲۲ مارچ ۲۰۲۵ دستگیر کردند اما دلیل بازداشت را اعلام نکرده‌اند. علاوه‌براین، در ۷ اپریل ۲۰۲۵، طالبان یک نظامی پیشین را در ولایت بغلان دستگیر و زندانی کردند. بر اساس معلومات بدست‌آمده از منابع محلی، او پس از بازگشت از ایران، به دلایلی که هنوز معلوم نیست بازداشت شده و تا هنوز در زندان بسر می‌برد.

ب- بازداشت خودسرانه فعالان مدنی و مدافعان حقوق بشر

یافته‌های این گزارش نشان داده است که طالبان در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ حداقل ۳۲ تن از فعالان مدنی و مدافعان حقوق بشر به شمول ۵ زن را به‌طور خودسرانه بازداشت و زندانی کرده‌اند. اتهام این افراد، برگزاری کورس‌های آموزشی برای زنان و دختران، تبلیغات علیه طالبان و انتقاد از سیاست‌های این گروه در مورد زنان و مسائل دیگر بوده است.

رواداری در دوره مشابه در سال ۲۰۲۴ در مجموع ۲۰ مورد بازداشت خودسرانه و غیرقانونی فعالان مدنی، مدافعان حقوق بشر و خبرنگاران را ثبت کرده بود. مقایسه آمار مذکور نشان می‌دهد که میزان بازداشت خودسرانه و غیرقانونی فعالان مدنی، مدافعان حقوق بشر و خبرنگاران در نیمه نخست سال ۲۰۲۵، حدود ۶۰ درصد افزایش یافته است. همین‌طور این آمار نسبت به دوره مشابه در سال ۲۰۲۳ که ۴۷ مورد بود ۳۱ درصد کاهش را نشان می‌دهد.



بر بنیاد یافته‌های این گزارش، بیش‌ترین موارد بازداشت خودسرانه و غیرقانونی فعالان مدنی، خبرنگاران و مدافعان حقوق بشر در این دوره گزارش‌دهی، توسط اداره استخبارات طالبان انجام شده است. این افراد عمدتاً به خاطر اعتراض و انتقاد از سیاست‌های طالبان به‌خصوص در مورد اعمال محدودیت بر حقوق و آزادی‌های اساسی زنان، بازداشت و زندانی شده‌اند.

طالبان از بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی، به عنوانی ابزاری برای سرکوب صداهای مخالف و منتقد استفاده نموده و اعتراض به سیاست‌های خود را در هر سطح و اندازه‌ای که باشد با توسل به شیوه‌های خشونت‌آمیز سرکوب می‌کنند. در این میان، اداره استخبارات فعالیت خبرنگاران، فعالان مدنی، مدافعان حقوق بشر و حتی کاربران شبکه‌های اجتماعی را به‌طور مداوم نظارت می‌کنند.

رواداری در نیمه نخست سال جاری، موارد متعددی را مستند کرده است که افراد صرفاً به دلیل انتشار یادداشت‌های انتقادی در شبکه‌های اجتماعی، بازداشت و زندانی شده‌اند. به‌طور مثال،

در تاریخ ۵ می ۲۰۲۵ اداره استخبارات یک خبرنگار محلی در ولایت غزنی را به خاطر نشر چند پست انتقادی در شبکه اجتماعی فیس‌بوک بازداشت کرد. این خبرنگار با بیان برخی چالش‌ها و مشکلات اقتصادی و اجتماعی، از محرومیت عمدی زنان از حق آموزش، انتقاد کرده بود. به همین دلیل دادگاه طالبان او را به اتهام «تبلیغات علیه نظام»، به سه ماه حبس تنفیذی محکوم به مجازات کرد. در تاریخ ۱۲ جون ۲۰۲۵ یک فعال مدنی از ولایت دایکندی به دلیل گذاشتن یک کمنت انتقادی درباره بازداشت علمای اهل تشیع در ولسوالی اشرالی این ولایت، توسط اداره استخبارات بازداشت شد. دادگاه ابتدائیه طالبان بعداً او را به ۶ ماه حبس تنفیذی به مجازات محکوم کرد.

در یک رویداد مشابه دیگر، استخبارات طالبان در ۲ جنوری ۲۰۲۵ یک خبرنگار و فعال مدنی در مرکز ولایت بدخشان را به خاطر نشر یک یادداشت در شبکه اجتماعی فیس‌بوک، برای سه روز زندانی کردند. همین‌طور، در تاریخ ۲۱ اپریل ۲۰۲۵ یک فعال مدنی در ولسوالی اندر ولایت غزنی، به خاطر انتقاد از طالبان در شبکه‌های اجتماعی، بازداشت شد. بر اساس معلومات بدست‌آمده، نیروهای استخبارات بدون توجه به موازین محاکمه عادلانه از جمله تفهیم اتهام، ارجاع رسمی پرونده به مراجع ذیصلاح و طی مراحل قضایی، این فرد را مستقیماً به زندان عمومی این ولایت منتقل کردند.

در ۲۴ اپریل ۲۰۲۵ ماموران استخبارات، یک دانش‌جو و فعال مدنی از ولسوالی فرنگ ولایت بغلان را از خانه‌اش بازداشت کردند. منابع محلی گفته‌اند که دلیل بازداشت این فرد، انتقاد از طالبان بوده است. همین‌طور،

در ماه می ۲۰۲۵ طالبان یک عالم دینی و فعال رسانه‌ای را در ولایت ولایت هلمند به اتهام انتقاد از محرومیت زنان از حق آموزش و تحصیل، بازداشت کردند. او به شرط عدم مصاحبه با رسانه‌ها و خودداری از انتقاد از طالبان، بعد از یک ماه از زندان رها شد.

از سوی دیگر، در ۱۴ اپریل ۲۰۲۵ اداره استخبارات، یک خبرنگار را از شهر کابل به دلیل همکاری با رسانه‌های که در تبعید فعالیت می‌کنند، بازداشت کردند. این خبرنگار، قبلاً نیز از سوی طالبان بازداشت و شکنجه شده بود. در تاریخ ۱۴ می ۲۰۲۵ استخبارات طالبان یک فعال اجتماعی اوزبیک تبار از ولسوالی ارگوی ولایت بدخشان را به دلیل فعالیت‌های دادخواهانه در شبکه‌های اجتماعی در پیوند با حقوق اوزبیک‌ها بازداشت و زندانی کردند. طالبان اتهام این فرد را تشویق مردم به اعتراض و بسیج علیه نظام عنوان کرده بودند. او بعداً با ضمانت بزرگان محل و به شرط عدم فعالیت، از زندان رها شد.

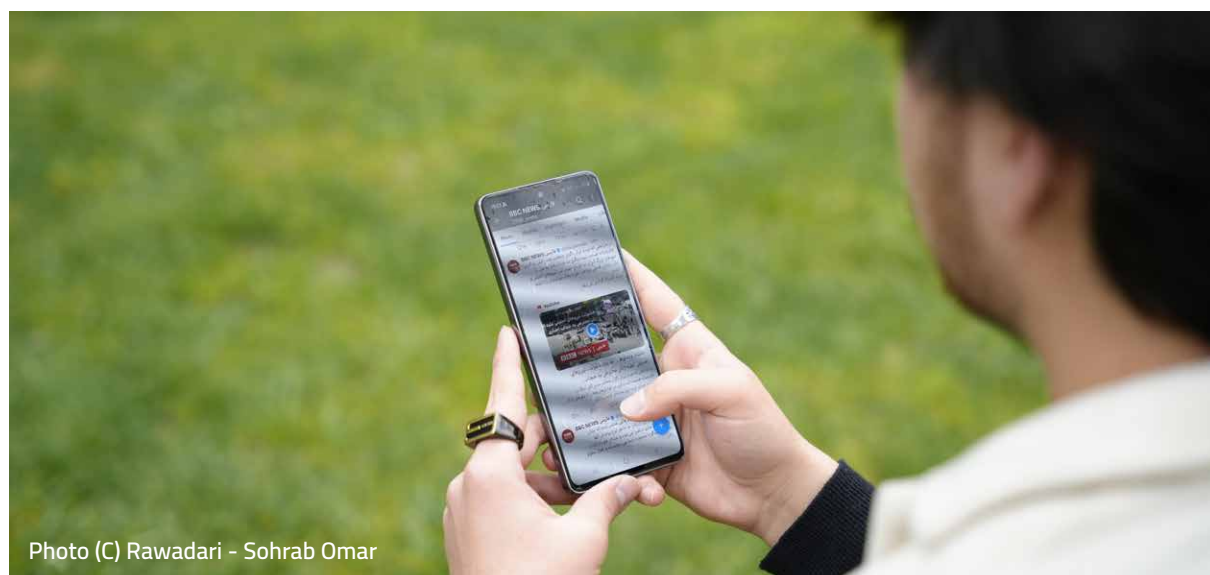


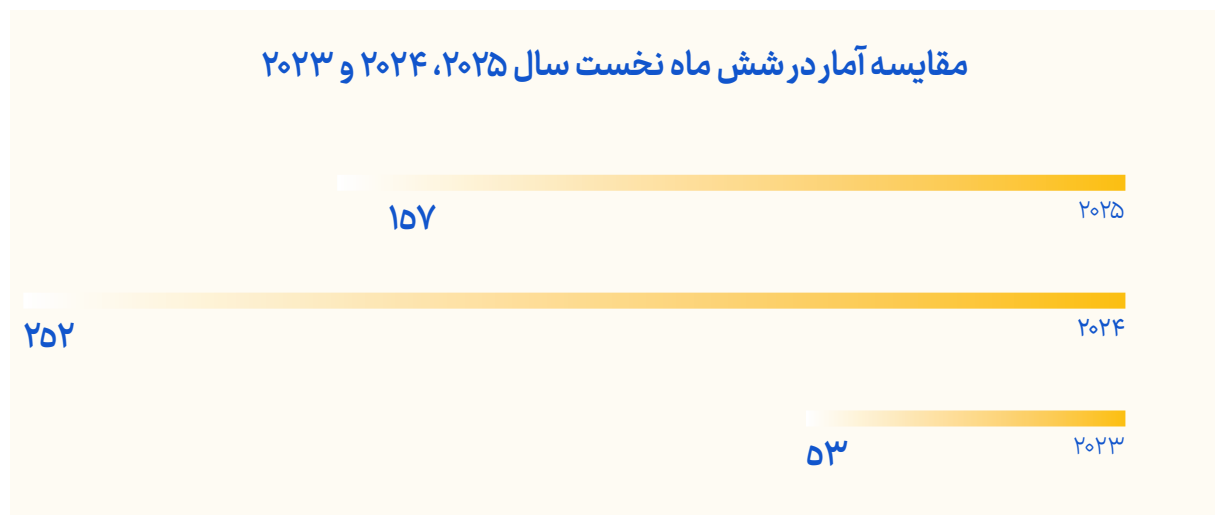
Photo (C) Rawadari - Sohrab Omar

در ماه جون ۲۰۲۵، طالبان یک آموزگار و فعال حقوق بشر از ولسوالی جانی خیل ولایت پکتیکا را به خاطر تشویق مردم به آموختن علوم ساینس و تکنالوژی، بازداشت و زندانی کردند. سپس در تاریخ ۱۶ جولای ۲۰۲۵ محکمه ابتدائیه این ولسوالی او را به اتهام توهین به پیامبر اسلام و مقدسات اسلامی به مجازات اعدام محکوم نمود. معلومات بدست آمده از منابع محلی نشان می دهد که خصومت شخصی یک تن از فرماندهان محلی طالبان با این فرد، نیز در بازداشت و محکومیت او نقش داشته است.

موارد یادشده که بخشی از بازداشت های فعالان مدنی و مدافعان حقوق بشر در شش ماه نخست سال جاری می باشد، نشان می دهد که طالبان به صورت سازمان یافته در سراسر کشور، به سرکوب منتقدان و مخالفان خود پرداخته اند. علاوه بر این، رواداری موارد متعددی از بازداشت فعالان حقوق بشر به خاطر آموزش به زنان و دختران را نیز مستند کرده است که در بخش های بعدی گزارش توضیح داده خواهد شد.

ج- بازداشت خودسرانه افراد به اتهام همکاری با گروه های مخالف طالبان

طالبان در این دوره گزارش دهی حداقل ۱۵۷ تن را به اتهام همکاری و داشتن ارتباط با گروه های مخالف نظامی و سیاسی خود بازداشت و زندانی کرده اند. این آمار نسبت به دوره مشابه در سال ۲۰۲۴ حدود ۳۷.۶ درصد کاهش یافته است. علاوه بر این، داده های مربوط به این دوره گزارش دهی در مقایسه با زمان مشابه در سال ۲۰۲۳ که ۵۳ مورد بود بیش از دو برابر افزایش را نشان می دهد.



تمام این بازداشت شدگان در نیمه نخست سال ۲۰۲۵، مرد می باشند که به اتهام عضویت یا همکاری با جبهه مقاومت ملی، جبهه آزادی و عضویت در حزب التحریر توسط اداره استخبارات و پولیس طالبان بازداشت شده اند. در این میان، بیشترین بازداشت ها توسط ماموران استخبارات انجام شده است.

شواهد بدست آمده نشان می دهد که طالبان، در مورد بازداشت این افراد، بدون توجه به معیارها و موازین قانونی از جمله تضمین دسترسی آنان به محاکمه عادلانه، اقدام نموده اند. به طور مثال،

شماری از اعضای حزب التحریر در حوزه جنوب غرب که از مخالفان فکری طالبان می باشند، از مدت ۲ سال به این سو بدون آن که پرونده های شان به محکمه ارسال شده باشد، در زندان نگهداری می شوند.

دو عضو این حزب در مصاحبه با رواداری گفته اند که طالبان در مورد اعضای بازداشت شده این حزب گفته اند که آن ها را تا زمانی در زندان نگهداری خواهند کرد که از باورها و طرز فکر خود دست بردارند و ابراز ندامت و پشیمانی کنند.

موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که شماری از زندانیان در حالی که قبلاً مدت تعیین شده مجازات حبس خود را سپری نموده، اما همچنان در

زندان بسر می‌برند. در این مورد، منابع محلی از ولایت قندهار به رواداری گفته است که محاکم طالبان برای آزادی شماری از این افراد، چندین بار به مسئولان زندان نامه ارسال کرده، اما آن‌ها عمداً یا به دلیل بی‌توجهی، هنوز هیچ اقدامی انجام نداده‌اند. تعدادی از این افراد که باید ۶ ماه قبل آزاد می‌شدند، هنوز به صورت غیر قانونی در زندان نگهداری می‌شوند. این مورد مصداق صریح بازداشت غیر قانونی و نقض حق آزادی و امنیت شخصی افراد به شمار می‌رود.

علاوه بر موارد یادشده، در تاریخ ۲۴ می ۲۰۲۵، طالبان یک باشنده ولایت پنجشیر را به اتهام ارتباط با جبهه مقاومت ملی، در شهر کابل بازداشت کردند. یک عضو خانواده این فرد گفته است که او به تازگی از ایران به کشور برگشته بود و با هیچ حزب و جریان سیاسی دیگر ارتباط نداشت. همین‌طور، در ۳ مارچ ۲۰۲۵ طالبان دو تن از باشندگان شهر میمنه ولایت فاریاب را به اتهام همکاری با جبهه مقاومت ملی بازداشت نمودند که تا کنون در زندان بسر می‌برند. در تاریخ ۱ جون ۲۰۲۵ یک باشنده ولسوالی تولک ولایت غور به اتهام همکاری با جبهه مقاومت ملی از سوی طالبان، بازداشت و زندانی شد. در همین حال، طالبان در ۱۹ مارچ ۲۰۲۵ چهار تن از باشندگان ولایت بادغیس را به اتهام همکاری و داشتن ارتباط با جبهه مقاومت ملی بازداشت کردند.

از سوی دیگر، اداره استخبارات در ماه جون ۲۰۲۵ دو تن از باشندگان اصلی ولایت پروان را در ولایت هرات به اتهام عضویت در جبهه مقاومت ملی بازداشت و پس از ۱۵ روز آن‌ها را از نظارت خانه به زندان عمومی منتقل کردند.

د- سایر موارد بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی

در جریان شش ماه نخست ۲۰۲۵ طالبان، به تعداد ۱۲۷۴ نفر به شمول ۱۱ زن به صورت غیرقانونی و خودسرانه بازداشت و زندانی شده‌اند. اتهام این افراد، عمدتاً سرپیچی از قانون امر به معروف از جمله نوع پوشش، سبک و اندازه ریش و موی سر، حاضر نشدن به نماز جماعت، بی‌حجابی و نداشتن محرم شرعی، صحبت با نامحرم و موارد دیگر بوده است. علاوه بر این، تعدادی دیگر از شهروندان در جریان برگزاری گردهمایی‌های اعتراضی نیز بازداشت شده که در بخش مربوطه توضیح داده خواهد شد.

اطلاعات این گزارش نشان می‌دهد که بازداشت خودسرانه و غیرقانونی افراد یاد شده، در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ بیش از ۴ برابر افزایش یافته است. رواداری در نیمه نخست سال ۲۰۲۴ حدود ۲۵۸ مورد بازداشت خودسرانه و غیرقانونی سایر شهروندان غیر نظامی را ثبت کرده بود.

مهم‌ترین دلیل افزایش آمار خودسرانه در این مورد، گسترش اقدامات فراقانونی ماموران امر به معروف برای کنترل

زندگی عمومی و حریم خصوصی شهروندان و به‌ویژه زنان می‌باشد.

هم‌چنین، طالبان در ماه جون ۲۰۲۵ سه زن را در ولایت هرات بازداشت و مورد بدرفتاری قرار دادند. این زنان که برای اخذ پاسپورت به اداره مربوطه رفته بودند به بی‌نوبتی مراجعین اعتراض کردند، طالبان آن‌ها را بازداشت نموده و به اداره امر به معروف بردند. یک مصاحبه شونده در این مورد گفته است که: «ماموران امر به معروف این زنان را تحقیر و توهین نموده و گفتند که شما زنان جامعه مدنی زمان جمهوریت هستید، بی‌حجاب اید و از خانواده‌های بی غیرت هستید، شما با طرفداری از غربی‌ها با ارزش‌های اسلامی مخالفت می‌کنید.» این زنان پس از سه ساعت نگهداری در یک کانتینر مربوط به امر به معروف با ارائه ضمانت از سوی خانواده‌های شان، رها شدند.

در تاریخ ۲۷ جون ۲۰۲۵، طالبان یک دختر از شهر میمنه ولایت فاریاب را به اتهام «صحبت کردن با نامحرم و ترویج فحشا» بازداشت و زندانی کردند. در ۱۲ جون ۲۰۲۵ ماموران امر به معروف در مرکز ولایت غزنی، یک داماد و دو مرد از همراهان او را از سالن عروسی به خاطر پخش موسیقی بازداشت نموده و به اداره امر به معروف منتقل کردند. بستگان این فرد گفته است محتسبان امر به معروف با هجوم بر تالار زنانه، داماد و دو مرد از بستگان او را بازداشت نموده و با خود بردند.

موارد یاد شده که مصداق صریح نقض حق آزادی و امنیت شخصی شهروندان می‌باشد، نشان می‌دهد که اداره امر به معروف با توسل به شیوه‌های خشونت‌آمیز و فراقانونی، آزادی‌های اساسی شهروندان را به طور سازمان یافته سرکوب می‌کند.

ماموران امر به معروف طالبان با حضور در شهرها و دیگر اماکن عمومی، شهروندان را مورد آزار و اذیت قرار داده و بازداشت می‌کنند. به‌طور مثال آن‌ها در ماه جون ۲۰۲۵ با هجوم بر مارکیت دوا فروشی در ولایت قندهار، دوا فروشان و مراجعین را به دلیل کوتاه کردن ریش، به‌طور دسته جمعی و گسترده بازداشت کردند. در ولایت غزنی نیز، ماموران امر به معروف در تاریخ ۹ اپریل ۲۰۲۵، حدود ۲۲ نفر از کارکنان خدماتی شهرداری را به اتهام کوتاه کردن ریش و نداشتن کلاه دستگیر و زندانی کردند.



نقض حق کرامت انسانی

کرامت انسانی جز حقوق ذاتی و مبنای حقوق برابر انسان‌ها به شمار می‌رود. این حق بر حرمت و شرافت انسان‌ها تأکید دارد که نباید در هیچ شرایطی نادیده گرفته شود. بنابراین، احترام به کرامت انسانی مستلزم رعایت حقوق دیگران از جمله مصونیت از هر نوع شکنجه، تحقیر و توهین و دیگر اشکال رفتار ظالمانه می‌باشد.^{۳۳} با این وجود، یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که طالبان در جریان شش ماه گذشته، افراد را به منظور ارباب، تنبیه یا تحقیر آنان، کسب معلومات، اعتراف یا اقرار، با شیوه‌های گوناگون مورد شکنجه و بدرفتاری قرار داده‌اند. همین طور، دادگاه‌های طالبان در مدت زمان یاد شده، به صورت گسترده به مجموعه‌ای از مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز حکم نموده و آن را اجرا کرده‌اند.

الف- شکنجه و بدرفتاری با زندانیان

مصونیت از شکنجه در زمره حقوق مطلق، سلب ناپذیر و غیر قابل تعلیق افراد می‌باشد که تحت هیچ شرایطی و حتی در وضعیت‌های استثنایی مانند تهدید به جنگ، بی‌ثباتی داخلی، ناامنی یا هر وضعیت اضطراری دیگر نمی‌توان آن را نقض کرد. کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز و کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی، اعمال شکنجه و تعذیب افراد را منع قرار داده‌اند.^{۳۴}

در افغانستان، در حال حاضر هیچ قانونی برای جرم‌انگاری شکنجه وجود ندارد، زیرا طالبان قانون اساسی، قوانین جزایی و قانون اختصاصی منع شکنجه را قبلاً تعلیق کرده‌اند.^{۳۵} به همین دلیل شکنجه و بدرفتاری به عنوان شیوه‌ی رایج در نهادهای عدلی و قضایی و محلات سلب آزادی تحت کنترل طالبان نهادینه شده است. چون هیچ‌گونه مکانیسم قضایی مؤثر برای پیگرد حقوقی مرتکبان شکنجه در این کشور، وجود ندارد و قربانیان امکان ثبت و پیگیری شکایات خود را پیدا نمی‌کنند.

با این وصف، شواهد و اسناد بدست‌آمده نشان می‌دهد که، طالبان بدون توجه به اصول و موازین پیش‌گفته که بر ممنوعیت بی‌قید و شرط شکنجه تأکید دارند، افراد را با شیوه‌های گوناگون به منظور کسب اعتراف، اقرار، ارباب و تنبیه و یا تحقیر آنان مورد شکنجه و بدرفتاری قرار داده‌اند. قربانیان عمدتاً شامل کارمندان حکومت پیشین، افراد متهم به داشتن ارتباط با گروه‌های مخالف طالبان، خبرنگاران و فعالان مدنی بوده‌اند.

انواع و شیوه‌های شکنجه

بر بنیاد یافته‌های این گزارش، وضعیت برخی از زندان‌های عمومی (محابس) در مراکز ولایت‌ها به لحاظ دسترسی زندانیان به امکانات اولیه بهتر شده و نیز شکنجه و بدرفتاری در این محلات کاهش یافته است. با این وجود، اما بیش‌ترین شکنجه و بدرفتاری در نظارت خانه‌های اداره استخبارات، پولیس و به خصوص قوماندانی‌های امنیه ولسوالی‌ها و نظارت‌خانه‌های اداره امر به معروف صورت می‌گیرد.

لت و کوب با چوب، مشت و لگد، قنداق تفنگ، کیبل، شوک برقی، انداختن پلاستیک در سر قربانیان، غرق مصنوعی، کشیدن موی سر، آویزان کردن از طناب دار، آویزان کردن از سقف با دست یا پا، کشیدن ناخن‌های دست، انداختن در چاه، گرسنه و تشنه نگهداشتن، نگهداری طولانی مدت در سلول انفرادی، تحقیر و توهین جنسی، قومی و مذهبی، خفه کردن و تهدید به قتل زندانیان و اعضای خانواده‌های آنان از شیوه‌های رایج شکنجه در زندان‌ها و محلات سلب آزادی طالبان می‌باشند.

طالبان از شکنجه به عنوان ابزاری برای تنبیه، ارباب یا تحقیر، کسب اطلاعات، اقرار یا اعتراف از قربانیان، استفاده می‌کنند و حتی افرادی را که به اشتباه و بنابر اطلاعات نادرست، بازداشت نموده نیز مورد شکنجه و بدرفتاری قرار داده‌اند.

23. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مقدمه و ماده ۱.

24. کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه، ماده ۱. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۷.

25. رواداری، وضعیت دسترسی به عدالت در نظام عدلی و قضایی طالبان، ص ۱۳. https://rawadari.org/wp-content/uploads/2025/03/RW_Rule-of-Law-Report-Dari.pdf

به طور مثال یک زندانی رها شده از ولایت هلمند گفته است که: «صبح زود تاریخ ۸ ماه جون سال جاری، زمانی که به سمت بازار ولسوالی می‌رفتم توسط طالبان بازداشت شدم. آن‌ها مرا به قوماندانی امنیه بردند و هر شب با قنداق تفنگ، مشّت و لگد مرا شکنجه می‌کردند. مدت یک هفته آن‌جا بودم و هیچ چیزی هم در مورد اتهام خود نمی‌دانستم. بعد از یک هفته مرا آزاد کردند و گفتند تو را با کسی دیگری اشتباه گرفته بودیم.»

در یک رویداد دیگر در تاریخ ۲۷ اپریل ۲۰۲۵، استخبارات طالبان سه تن از باشندگان ولایت پنجشیر را به اتهام همکاری با گروه‌های مخالف خود، در شهر کابل بازداشت کردند. یک تن از این بازداشت‌شدگان به رواداری گفته است که سه ماه بعد و پس از آن که طالبان اتهام نسبت داده شده را ثابت نتوانستند آن‌ها را از زندان رها نمودند. او اظهار داشته است که: «در زندان به خاطر پنجشیری بودن خیلی توهین شدم و در حالی که یک ریش سفید هستم مورد لت و کوب قرار گرفتم.» مصاحبه‌شونده دیگر در این مورد گفته است که: «طالبان پس از چندین ماه و به خاطر این که نتوانستند اتهام وارده را ثابت نمایند ما را از زندان رها کردند. آن‌ها مرا در یک اتاق سرد و پر از آب شکنجه می‌کردند، با کیبل می‌زدند و فحش ناموسی می‌دادند.» اعضای خانواده این افراد نیز می‌گویند که طالبان آن‌ها را بنابر اطلاعات نادرست بازداشت کرده بودند.

یک نظامی پیشین از ولایت غور اظهار داشته است که: «روزهای قبل از ماه مبارک رمضان برای خریداری مواد غذایی به شهر فیروزکوه رفتم، برادر کوچکم نیز با من بود. در مسیر راه چهار مرد مسلح ما را توقف دادند. آنان چشمانم را بستند و شروع به لت و کوب من کردند، از من سلاح می‌خواستند و می‌گفتند اگر به آن‌ها سلاح ندهم برادرم را خواهند کشت. برادرم ترسیده بود و گریه می‌کرد، بعداً با قنداق تفنگ محکم به سرم زدند که از هوش رفتم. پس از ۴۰ ساعت زمانی که دوباره به هوش آمدم متوجه شدم که در نظارت‌خانه ولسوالی دولتیار هستم. چهار شبانه روز آن‌جا تحت شکنجه شدید قرار داشتم، مرا خفه می‌کردند، سرم را داخل آب فرو می‌بردند و به مرگ تهدید می‌نمودند. پس از آن که خانواده‌ام یک میل کلاشینکوف برای آن‌ها تهیه کردند از زندان رها شدم.»

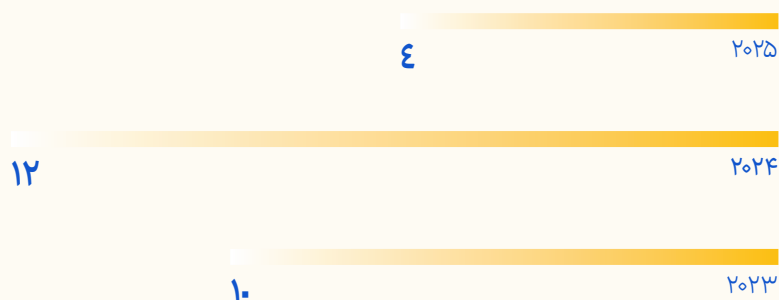
یک مصاحبه‌شونده دیگر از ولایت پروان گفته است که در ۷ اپریل ۲۰۲۷ زمانی که مهمان یکی از اقارب خود بوده، وسایل خانه‌اش به سرقت رفته است. او بعداً به حوزه پولیس طالبان تماس گرفته و شکایت می‌کند. مسئولان حوزه ده روز بعد به او اطلاع دادند که دزدان را دستگیر کرده و باید به حوزه بیايد. او اظهار داشته است که: «وقتی به حوزه رفتم سه نفر داخل یک کانتینر افتاده بودند و تا حدی لت و کوب شده بودند که توانایی صحبت کردن را نداشتند. با آن‌که وسایل خانه‌ام را دزدیده بودند، اما خیلی دلم برای‌شان سوخت. آن‌ها را بسیار شدید شکنجه کرده بودند، سر و صورت‌شان پندیده و سیاه شده بود که دل هر انسانی را به درد می‌آورد.»

مواردی که توضیح داده شد نمونه‌هایی از مجموع قضایای شکنجه در زندان‌های تحت کنترل طالبان است که در جریان شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ مستند شده است. رواداری در یک گزارش تحقیقی و مبتنی بر روایت‌های دست اول و مستند قربانیان، وضعیت محلات سلب آزادی و نحوه رفتار طالبان را از لحظه بازداشت تا زمان رهایی افراد را با تفصیل و جزئیات بررسی کرده است.^{۲۶}

قتل زندانیان

بر اساس داده‌های این گزارش، در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵، حداقل ۴ تن در زندان‌های تحت کنترل طالبان پس از شکنجه شدید به قتل رسیده‌اند. رواداری در نیمه نخست سال ۲۰۲۴^{۲۷} در مجموع ۱۲ رویداد شکنجه منجر به قتل را ثبت کرده بود. مقایسه هر دو آمار نشان می‌دهد که قتل زندانیان در سال ۲۰۲۴، حدود ۶۶.۶ درصد کاهش یافته است. هم‌چنین این آمار نسبت به دوره مشابه در سال ۲۰۲۳ که ۱۰ مورد بود ۶۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

مقایسه آمار در شش ماه نخست سال ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴، ۲۰۲۵



بنابر بر یافته‌های گزارش حاضر، در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵، بیش‌ترین رویدادهای شکنجه منجر به قتل در نظارت‌خانه‌های اداره استخبارات طالبان اتفاق افتاده است.

در ماه جنوری ۲۰۲۵، نیروهای استخبارات طالبان سه تن از باشندگان ولایت پروان را پس از بازداشت، شکنجه نموده و به قتل رساندند. آن‌ها ابتدا یکی از این قربانیان را بازداشت و بعد از یک شب شکنجه شدید او را در نزدیکی خانه‌اش رها کردند. منابع محلی گفته است که طالبان این فرد را چنان شکنجه کرده بودند که وی به سختی و در وضعیت نیمه‌جان خود را به خانه‌اش رساند. یک روز بعد، طالبان دوباره او و دو تن دیگر از باشندگان محل را بازداشت و با خود بردند. دو روز بعد، طالبان جسد این سه تن را به خانواده‌های شان تسلیم دادند. تا آن‌زمان خانواده‌های قربانیان در مورد سرنوشت آن‌ها اطلاعی نداشتند. یک مصاحبه‌شونده دیگر در این مورد گفته است: «زمانی‌که برای تسلیم گرفتن اجساد رفتیم، آثار شکنجه شدید در آن‌ها دیده می‌شد و چون بر سر و صورت‌شان با مرمی شلیک شده بود، به سختی قابل شناسایی بودند.»

هم‌چنین، در تاریخ ۱۴ جنوری ۲۰۲۵، طالبان جسد یک عضو جبهه مقاومت ملی و از باشندگان ولایت پنجشیر را، پس از دو سال حبس و شکنجه، به خانواده‌اش تحویل دادند. این فرد دو سال قبل هنگام انتقال برای درمان، در مسیر کابل-پنجشیر شناسایی و بازداشت شده بود. به گفته یک‌تن از بستگانش، او طی این مدت در زندان‌های طالبان به شدت شکنجه شده بود؛ به گونه‌ای که دست‌اش از ناحیه بازو شکسته و چند جای بدنش نیز آسیب دیده بود. او ابتدا در نظارت‌خانه استخبارات و سپس در زندان‌های پلچرخ و بگرام نگهداری می‌شده است.

نبود مکانیسم مؤثر نظارت بر زندان‌های طالبان

در حال حاضر هیچ نهاد ناظر و مستقل اجازه دسترسی و نظارت از محلات سلب آزادی تحت کنترل طالبان و به‌ویژه بازداشتگاه‌های زنانه و نظارت‌خانه‌های اداره استخبارات را ندارند و به همین دلیل امکان رسیدگی مؤثر به مشکلات و چالش‌های موجود فراهم نیست. هرچند که طالبان مکانیسم‌های را در این زمینه ایجاد کرده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد که برای پیش‌گیری از شکنجه و پیگرد قضایی مرتکبان آن مؤثر نبوده است.

ادارات امر به معروف و تعقیب احکام و فرامین، در برخی از ولایت‌ها، برای ثبت و رسیدگی به شکایات مربوط به شکنجه اقدام می‌کنند؛ اما بیش‌تر نهادهای امنیتی این کار را به مثابه مداخله در امور خود می‌پندارند و یا هم علاقه‌ای به همکاری با ادارات یادشده، برای بررسی شکایات ندارند.

بر اساس یک مکتوب رسمی که در ماه اپریل ۲۰۲۵ در ولایت قندهار صادر شده است اداره امر به معروف در شش ماه نخست امسال ۱۶۰ شکایت مبنی بر شکنجه در نهادهای امنیتی را ثبت کرده است. این شکایات توسط خود قربانیان در این اداره به ثبت رسیده است.

هرچند اداره امر به معروف و اداره نظارت بر تطبیق احکام و فرامین، در حوزه جنوب غرب ضمن نظارت از وضعیت عمومی محلات سلب آزادی به ثبت شکایات در زمینه شکنجه نیز می‌پردازند؛ اما تا کنون درباره چگونگی رسیدگی به آن‌ها و به‌خصوص پیگرد مرتکبان شکنجه، گزارشی منتشر نکرده‌اند.

هم‌زمان، اداره تنظیم امور زندان‌های طالبان، در تشکیل خود یک بخش نظارت دارد که برخی اوقات از زندان‌های عمومی ولایت‌ها نظارت می‌کنند. در شماری دیگر از بخش‌های کشور از جمله ولایت بامیان، کمیسیون‌های تحت نام امر به معروف و نهی از منکر برای نظارت از زندان‌ها تشکیل می‌شود که عمدتاً وضعیت عمومی و معیشتی زندانیان و میزان دسترسی آن‌ها به غذا و دیگر امکانات اولیه را نظارت می‌کنند. در مواردی نیز، دادگاه مرافعه یا والی این ولایت هیأتی را به خاطر ارزیابی وضعیت زندان‌ها مؤظف می‌سازند. این نهادها نیز، هیچ وقت گزارش‌های علنی منتشر نمی‌کنند و بر اساس معلومات بدست‌آمده، زندانیان امکان طرح شکایات را ندارند؛ زیرا وظیفه هیأت یادشده، تنها بررسی وضعیت عمومی و امکانات اولیه در زندان‌ها است.

افزون براین، بخش حقوق بشر هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما)، از محلات سلب آزادی تحت کنترل طالبان و عمدتاً توقیف‌خانه‌ها و زندان‌های عمومی زنانه و مردانه در مراکز ولایات نظارت می‌کند. بر اساس شواهد بدست‌آمده، نظارت یوناما مشروط به هماهنگی و اجازه قبلی مسئولان ذیربط می‌باشد و به این ترتیب نمی‌تواند به‌صورت سرزده و بدون هماهنگی قبلی از این مراکز نظارت کنند. در این میان نظارت‌خانه‌های اداره استخبارات و امر به معروف در تمامی ولایت‌ها که بیش‌ترین موارد شکنجه و بدرفتاری در آن‌ها صورت می‌گیرد، هم‌چنان از دسترس یوناما خارج بوده و این نهاد اجازه‌ی نظارت بر آن‌ها را ندارد.

ب- اجرای مجازات ظالمانه و غیرانسانی

ماه ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تصریح کرده است که هیچ‌کس را نمی‌توان شکنجه کرد یا تحت مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه و غیرانسانی یا ترذیلی قرار داد.^{۲۸} کمیته حقوق بشر در تفسیر ماده ۷ این میثاق به ممنوعیت مطلق مجازات‌های ظالمانه و غیرانسانی از جمله مجازات‌های بدنی و اعدام در ملاء عام به دلیل ماهیت وحشتناک و تحقیرآمیز آن برای افراد و جامعه، پرداخته و تأکید می‌کند که هیچ وضعیت اضطراری از جمله جنگ یا بی‌ثباتی سیاسی نمی‌تواند اجرای این‌گونه مجازات‌ها را توجیه کند.^{۲۹}

با این وجود، معلومات نشان می‌دهد که دادگاه‌های طالبان در این دوره‌ی گزارش‌دهی، مجموعه‌ای از مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز را تطبیق و یا حکم آن را صادر کرده‌اند. این مجازات شامل اعدام، سنگسار، مجازات بدنی و سیاه کردن صورت متهمان برای تحقیر کردن آن‌ها می‌باشد.

از آن‌جا که نهادهای قضایی طالبان به اصول محاکمه عادلانه، از جمله مصونیت افراد از شکنجه و دسترسی به وکیل مدافع التزام ندارند و اعترافات بدست‌آمده تحت شکنجه را مبنای صدور حکم خود قرار می‌دهند، تطبیق مجازات‌های از این دست، به شدت نگران‌کننده است. به‌ویژه این‌که خطر مجازات افراد بی‌گناه نیز وجود دارد؛ زیرا آن‌گونه که در بخش‌های پیشین این گزارش مطرح شد طالبان در جریان شش ماه گذشته، شماری از افراد را بنابر اطلاعات نادرست بازداشت و شکنجه کرده‌اند.

بر اساس یافته‌های این گزارش، دادگاه‌های طالبان در موارد متعددی متهمان به فرار از منزل، روابط خارج از ازدواج، سرقت، لواط، قاچاق، تولید، خرید و فروش و مصرف مواد مخدر و مشروبات الکولی، را شلاق زده‌اند. هم‌چنین، در جریان شش ماه نخست سال جاری حکم قصاص ۴ مرد متهم به قتل را اجرا و حکم سنگسار یک زن متهم به بدنی آوردن یک کودک نامشروع را صادر کرده‌اند.

۱. مجازات سنگسار و قصاص

در جریان شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ دادگاه‌های طالبان دست‌کم ۴ حکم قصاص را در ولایت‌های نیمروز، فراه و بادغیس اجرا نموده و نیز حکم سنگسار یک زن را در ولایت دایکندی صادر کرده‌اند.

در تاریخ ۱۱ اپریل ۲۰۲۵ دادگاه عالی طالبان حکم قصاص دو مرد متهم به قتل را در قلعه نو ولایت بادغیس در محضر عام اجرا کردند. این افراد در استدیوم ورزشی مرکز ولایت بادغیس در حضور صدها تن از تماشاگران، با فیر مرمی به قتل رسیدند. همین‌طور، در تاریخ یادشده، یک تن دیگر با حکم دادگاه طالبان در شهر زرنج، مرکز ولایت نیمروز، با شلیک مرمی اعدام شد. این مرد نیز متهم به قتل بود که در استدیوم ورزشی این شهر و در حضور صدها تماشاگر در حالی‌که دستان و چشمانش بسته بود، قصاص شد. در ولایت فراه نیز، یک مرد متهم به قتل در یک استدیوم ورزشی در حضور تماشاگران، اعدام شد. دادگاه عالی طالبان با نشر خبرنامه‌ای اعلام کردند که حکم اعدام این چهار مرد، پس از تأیید رهبر طالبان، اجرا شده است.^{۳۰}

از سوی دیگر، در تاریخ ۱۹ مارچ ۲۰۲۵ دادگاه ابتدائیه طالبان در ولسوالی اشترلی ولایت دایکندی، یک زن را به اتهام به دنیا آوردن یک کودک نامشروع به مجازات سنگسار محکوم کرده است. این حکم تا حالا اجرا نشده و متهم در زندان نگهداری می‌شود. حکم مذکور در صورت تأیید در محاکم بالاتر، تطبیق خواهد شد.

28 . میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۷.

29 . کمیته حقوق بشر، دیدگاه عمومی شماره ۷: اجرای ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۳۰ جولای ۱۹۸۲، سند شماره ۷/۲۳ (Vol. 1, 2008/70/23) (HRI/CEN/1/Rev.9)

30 . آژانس خبری پژواک، «حکم قصاص بر چهار مرد در سه ولایت تطبیق شد»، ۱۱ اپریل.

https://pajhwok.com/ps/2025/04/11/retaliatory-punishment-was-carried-out-on-four-people-in-three-provinces/?utm_source=chatgpt.com

یک زندانی رها شده از ولایت هلمند گفته است که: «صبح زود تاریخ ۸ ماه جون سال جاری، زمانی که به سمت بازار ولسوالی می رفتم توسط طالبان بازداشت شدم. آن ها مرا به قوماندانی امنیه بردند و هر شب با قنداق تفنگ، مشت و لگد مرا شکنجه می کردند. مدت یک هفته آن جا بودم و هیچ چیزی هم در مورد اتهام خود نمی دانستم. بعد از یک هفته مرا آزاد کردند و گفتند تو را با کسی دیگری اشتباه گرفته بودیم.»



اجرای مجازات اعدام در انظار عمومی با توجه به ماهیت وحشتناک و پیامدهای زیان بار آن بر جامعه، از مصادیق مجازات ظالمانه و غیر انسانی به شمار می‌رود که به موجب اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به شدت منع شده است.

۲. مجازات بدنی

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که دادگاه‌های طالبان در جریان ۶ ماه نخست سال ۲۰۲۵ دست‌کم ۳۲۶ تن به‌شمول ۶۴ زن را به اتهام فرار از منزل، لواط، روابط خارج از ازدواج، سرقت، تولید، خرید و فروش و مصرف مواد مخدر و مشروبات الکولی، شلاق زده‌اند. این آمار در مقایسه با دوره مشابه در سال ۲۰۲۴ که ۱۵۱ مورد بود، دو برابر افزایش را نشان می‌دهد. همین‌طور، داده‌های مربوط به شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ در مقایسه با شش ماه نخست سال ۲۰۲۳ که ۶۹ مورد بود، بیش از چهار برابر افزایش را نشان می‌دهد.

مقایسه آمار در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵، ۲۰۲۴ و ۲۰۲۳



بر بنیاد شواهد بدست‌آمده، محاکم طالبان تقریباً در مورد تمامی انواع جرایم، به مجازات شلاق به عنوان مجازات تکمیلی حکم می‌کنند که بخش عمده‌ای آن دور از انظار عمومی و رسانه‌ها اجرا می‌شود. در مواردی که مجازات شلاق را به‌خصوص در ارتباط با «جرایم اخلاقی»، علنی تطبیق می‌کنند مأموران امر به معروف و امانان مساجد چند روز قبل تبلیغات می‌کنند و از طریق بلندگو یا با نشر خبرنامه‌ها مردم را به تماشای صحنه مجازات تشویق می‌کنند که در برخی موارد بیش‌ترین تماشا کنندگان را استادان و دانش‌آموزان مدارس دینی به‌شمول کودکان، قضات و کارمندان محاکم و سایر مسئولان محلی تشکیل می‌دهند.^{۳۱}

معلومات بدست‌آمده از محاکم طالبان در ولایت قندهار نشان می‌دهد که آن‌ها هر دو روز در هفته، افراد را به‌صورت غیرعلنی و دور از دید مردم شلاق می‌زنند. مجازات شلاق چنان‌که گفته شد، به عنوان مجازات تکمیلی بر متهمان تطبیق می‌شود و این افراد هم‌زمان به مجازات حبس نیز محکوم می‌شوند. به‌عنوان نمونه، دادگاه ابتدائیه شهری طالبان در ولایت هرات، در تاریخ ۲۴ فیبروری ۲۰۲۵ سه تن به‌شمول یک زن را به اتهام رابطه نامشروع جنسی به ۳۹ ضربه شلاق و دو سال مجازات حبس محکوم کردند. مجازات شلاق پس از تأیید دادگاه عالی طالبان در صحن دادگاه مرافعه این ولایت تطبیق شد.

هم‌چنین، در نهم فیبروری ۲۰۲۵، دادگاه ابتدائیه طالبان در ولسوالی جاغوری ولایت غزنی، دو مرد را به اتهام روابط نامشروع جنسی در حضور مردم و تماشاگران شلاق زدند. در ۹ اپریل ۲۰۲۵، محکمه ابتدائیه طالبان حکم مجازات بدنی بر چهار تن را به اتهام سرقت و روابط نامشروع

جنسی در ملا عام اجرا کردند. بر اساس معلومات بدست آمده، دو تن از این افراد هم‌زمان به دو سال حبس و ۲۵ ضربه شلاق، فرد سوم به سه سال و شش ماه حبس و ۲۵ ضربه شلاق و فرد چهارم به دو سال و هشت ماه حبس و ۲۵ ضربه شلاق محکوم به مجازات شدند. در شهر کابل نیز، دادگاه طالبان در تاریخ ۲۱ جون ۲۰۲۵، ۲۵ نفر را به اتهام خرید و فروش مشروبات الکولی و مواد مخدر، در ملا عام از ۱۰ تا ۳۹ ضربه شلاق زدند. همین‌طور، در تاریخ ۱۲ فیبروری ۲۰۲۵ طالبان یک زن را به اتهام آن‌چه فساد اخلاقی اعلام کردند، در صحن اداره محلی ولسوالی مقر ولایت غزنی، شلاق زدند.

در ۱۶ فیبروری ۲۰۲۵، طالبان با انتشار اطلاعیه‌ای از باشندگان مرکز ولایت نیمروز دعوت کردند که برای تماشای اجرای حکم شلاق ۱۲ متهم، حضور یابند. در حکمی که توسط دادگاه عالی طالبان در قندهار تأیید شده بود آمده بود که ۶ تن از این متهمان در محضر عام و بقیه بدور از دید مردم شلاق زده شوند. اما طالبان در روز تطبیق حکم، ۱۱ تن آنان را در حضور مردم و تماشاگران شلاق زدند.

طالبان معمولاً هویت متهمان از جمله افرادی که به جرایم غیر اخلاقی و سرقت متهم شده‌اند را قبل از تطبیق حکم شلاق با جزئیات تمام منتشر و اعلام می‌کنند. در حالی که تشهیر هویت متهمان در این موارد، منع قانونی دارد و موجب آسیب‌رساندن به کرامت انسانی، حیثیت و اعتبار آن‌ها می‌شود.^{۳۲}

۳. سایر اشکال مجازات غیر انسانی

علاوه بر مواردی که توضیح داده شد، یافته‌های این گزارش نشان داده است که طالبان در نیمه نخست سال ۲۰۲۵ از دیگر اشکال مجازات غیر انسانی و تحقیرکننده، نیز استفاده کرده‌اند. چنان‌که در ماه جنوری ۲۰۲۵، آن‌ها در ولسوالی نوزاد ولایت هلمند، صورت یک مرد متهم به سرقت را سیاه نموده و او را در بازار در معرض دید مردم قرار دادند. در یک مورد مشابه دیگر در همان تاریخ، طالبان در ولسوالی نادعلی ولایت هلمند، یک معتاد به مواد مخدر را که به سرقت متهم بود به یک چوب دراز (خاده) بسته نموده و در برابر دید عموم قرار دادند تا همه او را ببینند.

هم‌چنین، در ماه جولای ۲۰۲۵ طالبان در ولسوالی دیشو این ولایت، فرد دیگری را که هنگام سرقت از یک خانه بازداشت کرده بودند، برای نشان دادن به مردم در سراسر شهر گرداندند. این اعمال از شدیدترین اشکال مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز و مصداق صریح نقض کرامت انسانی افراد به شمار می‌رود که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر منع شده است.

سرکوب تجمعات و گردهمایی‌های اعتراضی مسالمت‌آمیز

برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز، یک حق بشری است که در اسناد بین‌المللی متعددی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است. این حق شامل برگزاری گردهمایی‌های عمومی یا خصوصی، برای بیان آزادانه دیدگاه‌ها، اعتراضات یا حمایت از اهداف مشترک می‌باشد.^{۳۳} اسناد بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌های عضو را مکلف کرده است که نه تنها از برگزاری تجمعات و گردهمایی‌های اعتراضی جلوگیری نکنند، بلکه شرایط لازم را برای برگزاری امن آن فراهم سازند. هم‌چنین بر مبنای اسناد مذکور، هیچ محدودیتی بر این حق نمی‌توان قایل شد، مگر آن‌چه به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حفظ امنیت ملی یا سلامت عمومی، نظم، بهداشت یا اخلاق عمومی و یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران در یک جامعه دموکراتیک ضروری باشد.^{۳۴}

با این وجود، طالبان در حال حاضر به هیچ‌گونه تجمع اعتراضی و دادخواهانه اجازه‌ی برگزاری نمی‌دهند و با استفاده از زور و شیوه‌های خشونت‌آمیز آن را سرکوب می‌کنند. چنان‌که در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ آن‌ها دست‌کم ۱۶ مورد از تجمعات اعتراضی را با خشونت سرکوب نموده و حداقل ۸۲ تن از معترضان را بازداشت، ۷ تن را به قتل رسانده و ۳۲ نفر دیگر را زخمی کرده‌اند. تجمعات و گردهمایی‌های برگزار شده در اعتراض به تبعیض قومی، تخریب مزارع، غصب زمین و بهره‌برداری ناعادلانه از منابع طبیعی بوده است. طالبان برای سرکوب این گردهمایی‌ها و اعتراضات، از تیراندازی هوایی، شلیک مستقیم به معترضان و بازداشت و زندانی کردن آن‌ها استفاده کرده‌اند.

32 . رواداری، وضعیت حقوق بشر در سال ۲۰۲۴، ص ۲۳. https://rawadary.org/wp-content/uploads/2025/04/RW_Annual_Report_Human_Rights_Report_2025_Dari.pdf

33 . میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۱.

34 . همان.

در تاریخ ۸ جون ۲۰۲۵، طالبان دست‌کم ۵۰ تن از معترضان اوزبیک تبار را در روستای قوزی‌بای قلعه ولسوالی دولت‌آباد ولایت فاریاب، بازداشت کردند. پس از آن‌که دو تن از طالبان به آزار و اذیت دختران محل اقدام کردند میان آن‌ها و جوانان اوزبیک‌تبار در این محل، درگیری رخ داد. طالبان سپس این جوانان را بازداشت کردند؛ اقدامی که به برگزاری یک گردهمایی اعتراضی انجامید. این اعتراض سپس به انتقاد از عملکرد قومی و تبعیض‌آمیز طالبان گسترش یافت؛ اما طالبان برای سرکوب آن از تیراندازی‌های هوایی استفاده نموده و معترضان را مورد ت و کوب قرار دادند. آن‌ها ۵۰ تن از این معترضان را بازداشت و بعداً اعلام کردند که این افراد در «برابر حکومت اسلامی و دین اسلام اعتراض کرده بودند.» معترضان بازداشت‌شده با تلاش‌های بزرگان محل از بند طالبان رها شدند.

همین‌طور، در سه ماه نخست سال ۲۰۲۵ در جریان ۵ مورد تظاهرات در ولسوالی‌های خاش، جرم، ارغنج‌خواه، بهارک و وردوج ولایت بدخشان، دست‌کم ۷ تن از معترضان کشته شده، ۵۱ نفر زخمی و ۳۲ تن دیگر بازداشت شدند. این اعتراضات در پی تخریب مزارع کوکنار، تبعیض، غصب زمین، بهره‌برداری ناعادلانه از منابع طبیعی، دعوا بر سر زمین و چراه‌گاه‌ها برگزار شده بودند. طالبان با شلیک مستقیم به معترضان، این تجمعات را سرکوب کردند.

با توجه به این‌که در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ طالبان تجمعات و گردهمایی اعتراضی مردم را به‌صورت خشونت‌آمیز سرکوب کرده‌اند، اما در برخی موارد از این گردهمایی‌ها در راستای منافع و خواست‌های سیاسی خود بهره‌برداری نموده و مردم را برگزاری آن‌ها، وادار کرده‌اند. به‌طور مثال در تاریخ ۲۵ جنوری ۲۰۲۵ والی طالبان در ولایت بامیان، با تهدید و اجبار شغلی، کارمندان دولتی از جمله آموزگاران مکاتب و دانشگاه‌ها را وادار به شرکت در یک تجمع اعتراضی علیه حکم دادگاه جزایی بین‌المللی در مورد بازداشت رهبران این گروه کرد. همین‌طور، در شماری از ولایت‌های دیگر، طالبان مردم را در حمایت از فلسطین به برگزاری تظاهرات و گردهمایی‌ها تشویق نموده بودند.

بخش دوم

وضعیت حقوق بشری زنان



Photo (C) Unsplash - Farid Ershad

طالبان در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵، نه تنها به اجرای سیاست‌های تبعیض‌آمیز خود برای محروم‌سازی عمدی زنان از حق آموزش، حق کار، حق گشت و گذار آزادانه و دسترسی به عدالت، ادامه داده‌اند، بلکه با اتخاذ رویکرد سازمان‌یافته‌تر، این تبعیض و محدودیت‌ها را به‌طور قابل توجهی تشدید نیز کرده‌اند. به‌خصوص با اجرای قانون امر به معروف و نهی از منکر، تبعیض علیه زنان و دختران ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است. با این وجود، رفتار طالبان می‌تواند مصداق صریح تعذیب جنسیتی و جنایت علیه بشریت قلمداد شود.

در ادامه، به محدودیت‌های جدیدی که طالبان طی این دوره گزارش‌دهی در عرصه‌های آموزش، کار، گشت و گذار آزادانه و دسترسی زنان به عدالت اعمال کرده‌اند، به تفصیل پرداخته می‌شود.

تشدید محدودیت‌ها بر حق آموزش

حق آموزش در زمره‌ی مهم‌ترین حقوق انسانی افراد به شمار می‌رود که اسناد بین‌المللی حقوق بشر آن را به رسمیت شناخته و بر لزوم دسترسی برابر و یک‌سان همه افراد به فرصت‌های آموزشی و تحصیلی تأکید کرده است.^{۳۵} به‌موجب اسناد مذکور، قائل شدن هرنوع تبعیض در برخورداری از این حق بر مبنای جنسیت یا دلایل دیگر، عدول از مقررات یادشده به شمار رفته و نقض حقوق بشر تلقی می‌گردد. با این وجود، طالبان از آگست ۲۰۲۱، با اقدامات تدریجی، سازمان‌یافته و هدفمند از طریق فرمان‌ها، احکام و اعلامیه‌های متعدد حق آموزش را از زنان و دختران در افغانستان سلب نموده‌اند.^{۳۶}

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که گروه حاکم طی شش ماه نخست سال ۲۰۲۵، نه تنها از سیاست‌های تبعیض‌آمیز خود در زمینه دسترسی زنان و دختران افغانستان به حق آموزش، دست نکشیده بلکه این محدودیت‌ها را بیش‌تر نیز نموده‌اند. چنان‌که در شماری از بخش‌های کشور از جمله حوزه جنوب غرب، زنان به دلیل همین سیاست‌ها و محدودیت‌های سخت‌گیرانه حتا از شرکت در برنامه‌های آموزش فن و حرفه که توسط مؤسسات غیر دولتی ارائه می‌شود، منع شده‌اند. در حال حاضر، تنها مردان اجازه دارند که در چنین برنامه‌های شرکت کنند.

در ولایت بادغیس نیز، برنامه‌های آموزش فن و حرفه برای زنان مانند خیاطی، گلدوزی و چرم‌دوزی تعطیل شده است. ادارات امر به معروف و کار و امور اجتماعی، جواز فعالیت این مراکز آموزشی را لغو نموده و دلیل آن را تجمع بیش از حد زنان در یک محل و نیز حضور زنان بدون محرم شرعی عنوان کرده‌اند. طالبان به مسئولان اتحادیه خیاطان زنانه این ولایت هشدار داده که در صورت ادامه فعالیت، مورد پیگرد قرار خواهند گرفت.

الزام حجاب و محرم شرعی برای کودکان دختر

طالبان بر نوع پوشش دانش‌آموزان دختر پایین‌تر از صنف ششم محدودیت‌های شدیدی وضع کرده‌اند، به گونه‌ای که این دانش‌آموزان ملزم به پوشیدن چادر و لباس‌های بلند سیاه هستند و در شماری از ولسوالی‌ها نیز به کودکان دختر دستور داده‌اند که با ماسک صورت خود را بپوشانند. در ولایت بادغیس، استفاده از وسایل آرایشی و زیورآلات، رنگ ناخن، داشتن ناخن‌های بلند و پوشیدن لباس‌های چسپ و رنگی ممنوع شده است. مواردی نیز در این ولایت وجود دارد که دختران به دلیل پوشیدن لباس یا چادر رنگی با رفتار خشونت‌آمیز مواجه شده و لباس‌هایشان توسط مدیر مکتب پاره شده است.

در ولایت قندهار، اداره امر به معروف، برای دانش‌آموزان دختر پایین‌تر از صنف ششم که سن ۹ سالگی را تکمیل نموده «کارت محرم» توزیع می‌کنند. یعنی این دختران باید با محارم شرعی خود به مکتب رفت و آمد کنند. البته «کارت محرم» برای تمامی زنانی که برای کار یا هر دلیل دیگری همه روز از خانه‌های بیرون می‌روند، توزیع شده است.

در یک اقدام دیگر، اداره امر به معروف طالبان به یکی از مکاتب خصوصی در ولایت هلمند رفته و به مسئولان این مکتب گفته‌اند که چون دختران صنف ششم ماسک نمی‌پوشند و صورت‌شان برهنه است؛ لذا زنان باید آن‌ها را تدریس

35. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۴. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۳.

36. رواداری، محرومیت و تبعیض؛ وضعیت دسترسی زنان و دختران در افغانستان به آموزش، ص ۷، نوامبر ۲۰۲۴. <https://rawadari.org/201120241925.htm>

نمایند. همین‌طور، ماموران امر به معروف به یک مکتب خصوصی دیگر نیز دستور داده که وسایط نقلیه کودکان دختر و پسر باید جدا شود. در برخی از مکاتب این ولایت، دخترانی که به سن ۹ سالگی رسیده‌اند، حتی اگر در صنف‌های پایین‌تر از شش درس بخوانند، اجازه‌ی رفتن به مکتب را ندارند؛ زیرا طالبان می‌گویند که بر اساس فقه حنفی، بلوغ دختران از سن ۹ سالگی آغاز می‌شود.

از سوی دیگر، در نخستین روز سال تعلیمی جدید در ماه مارچ ۲۰۲۵، در مرکز ولایت غزنی، دخترانی پایین‌تر از صنف ششم که قد بلند و جسامت بزرگتر داشتند از ورود به صنف‌های درسی منع شدند و طالبان به آن‌ها گفتند که برای ادامه تحصیل به مدارس دینی مراجعه کنند. هم‌چنین، در شماری از مکاتب این ولایت، تذکره‌های دانش‌آموزان دختر را بررسی می‌کنند تا مطمئن شوند که آن‌ها بالاتر از ۹ سال، سن ندارند. این محدودیت که هم‌اکنون در مکاتب برخی از ولایت‌ها عملاً اجرا می‌شود خطر محرومیت بیش‌تر و گسترده‌تر دانش‌آموزان دختر از حق آموزش را در پی دارد؛ زیرا در افغانستان کودکان مکتب را از سن هفت سالگی آغاز می‌کنند و بر اساس این تصمیم اداره امر به معروف، آن‌ها صرفاً تا صنف سوم مکتب، امکان ادامه تحصیل را خواهند داشت.

بازداشت آموزگاران به خاطر ارائه خدمات آموزشی به زنان

بنابر یافته‌های این گزارش، طالبان در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ دست‌کم ۹ آموزشگاه خصوصی، ۴۱ صنف زبان انگلیسی و ۵ صنف کامپیوتر را که به صورت مخفیانه به دختران آموزش می‌دادند، مسدود نموده و حد اقل ۱۱ آموزگار به شمول ۵ زن را بازداشت کرده‌اند.

همین‌طور، در ماه اپریل سال ۲۰۲۵، اداره امر به معروف طالبان در ولایت پکتیکا، ۲۶۷ صنف آموزشی مربوط به دختران خرد سال را که توسط یک مؤسسه غیر دولتی حمایت می‌شد، مسدود کردند. در این صنف‌های آموزشی حدود ۱۱ هزار و ۸۰۰ دانش‌آموز دختر درس می‌خواندند.

در تاریخ ۲۷ جنوری ۲۰۲۵ طالبان ۴۶ صنف آموزش زبان انگلیسی و کامپیوتر را در ولایت بامیان مسدود کردند. آن‌ها ضمن ضبط وسایل و تجهیزات درسی، ۶ تن به شمول ۴ آموزگار زن را بازداشت نمودند. اتهام این افراد ارائه خدمات آموزشی به دختران بوده است. هم‌چنین، در ولسوالی غوریان ولایت هرات، یک بنیاد خیریه که به صورت مخفی برای زنان و دختران زبان انگلیسی آموزش می‌داد، توسط اداره امر به معروف شناسایی و آموزشگاه مسدود شد. طالبان به مسئول این آموزشگاه نسبت به ادامه فعالیت‌اش هشدار داده‌اند.

همین‌طور، در شهرک جبرئیل ولایت هرات یک آموزگار که به ۳۰ تن از زنان و دختران محروم از مکتب، مضامین درسی را تدریس می‌کرد، توسط ادارات امر به معروف و استخبارات شناسایی و بازداشت شد. این زن با ضمانت بزرگان محل مبنی بر تعطیل کردن آموزشگاه، پس از پنج ساعت از بازداشت رها شد. در ولایت غزنی نیز یک مرکز آموزش زبان انگلیسی و یک مرکز خطاطی و رسامی به دلیل ارائه خدمات آموزشی به زنان مسدود گردید. طالبان مسئولان این دو مرکز آموزشی را از یک تا ۶ ساعت بازداشت کردند.

هم‌زمان، در تاریخ ۱۶ جنوری ۲۰۲۵ طالبان مسئول ولایتی یک کورس آموزش زبان انگلیسی را در ولایت دایکندی به اتهام تبلیغ عیسویت بازداشت و به یک سال حبس محکوم به مجازات نمودند. در ۲۴ فیبروری ۲۰۲۵ استخبارات طالبان یک آموزگار دیگر را از شهر کابل بازداشت و به محل نامعلومی منتقل کردند. اتهام او تدریس به کودکان و دختران محروم از مکتب بوده است.

افزون براین، اداره امر به معروف زنانی را که به عنوان آموزگار خانگی به دختران محروم از مکتب و دانشگاه آموزش می‌دادند شناسایی نموده و نسبت به ادامه این کار، به آن‌ها هشدار داده‌اند. چنان‌که در حوزه قندهار، دو زن که به صورت خصوصی و به عنوان آموزگار خانگی به خانه‌های دختران می‌رفتند توسط اداره امر به معروف شناسایی و از ادامه این کار منع شدند. ماموران امر به معروف، از پدران این آموزگاران تضمین گرفته‌اند که در آینده به دختران خود اجازه‌ی چنین کاری را نمی‌دهند.

در جریان شش ماه نخست سال ۲۰۲۵، مواردی از آزار و اذیت دانش‌آموزان دختر نیز وجود دارد. یک مصاحبه‌شونده از ولایت هلمند به رواداری گفته است که: «(دو دانش‌آموز دختر که حدود ۹ سال سن دارند، در ماه مارچ امسال زمانی که از خانه‌های خود پیاده به سمت مکتب می‌رفتند از سوی دو تن از طالبان مورد تحقیر و توهین قرار گرفتند. طالبان به این دختران می‌گفتند که دیگر نباید مکتب بروند و این دختران از بس ترسیده بودند، دوباره به خانه‌های خود برگشتند.)»

مصاحبه‌شونده دیگر از ولایت نیمروز روایت کرده است که: «ماموران اداره امر به معروف دانش‌آموزان یک کورس آموزشی را در مسیر راه مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند. از آن‌ها می‌پرسیدند که چرا همه روز از یک مسیر رفت و آمد می‌کنند و چرا به تنهایی از خانه بیرون می‌شوند.» علاوه بر این، یک مصاحبه‌شونده از ولایت پروان گفته است که در ماه می امسال، دو تن از زنان محجبه، دانش‌آموزان دختر را در مسیر راه متوقف کرده و از آن‌ها درباره مسایل دینی‌شان سوال می‌کردند. دخترانی که نمی‌توانستند به این سوالات به درستی پاسخ بدهند، مورد تحقیر و توهین قرار می‌گرفتند.»

شرایط تبعیض‌آمیز کار

دسترسی برابر به حق کار و شرایط منصفانه‌ی شغلی، بخشی از حقوق انسانی هر فرد می‌باشد که در اسناد متعدد بین‌المللی حقوق بشر، تضمین شده است. به همین دلیل قائل شدن هر نوع تبعیض و استثنا بر مبنای جنسیت و تعلقات تباری، مذهبی و زبانی در برخورداری از این حق منع قانونی دارد و نقض حقوق بشر به شمار می‌رود.^{۳۷}

با این حال، یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که طالبان در جریان شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ به پیگیری و اجرای محدودیت‌ها و شرایط تبعیض‌آمیز در مورد کار زنان، هم‌چنان ادامه داده‌اند.

بر بنیاد معلومات بدست‌آمده، طالبان در بسیاری ولایت‌ها، ادامه کار زنان در بخش‌های آموزشی و صحتی را مشروط به داشتن محارم شرعی کرده‌اند. وضعیتی که چالش‌ها و مشکلات جدی را برای زنان شاغل در این عرصه‌ها ایجاد کرده است. مسئول یک نهاد غیر دولتی از حوزه قندهار به رواداری گفته است: «(زنانی که در بخش صحتی با ما کار می‌کنند باید محرم شرعی داشته باشند. طالبان برای این زنان «کارت محرم» توزیع می‌کنند اما زمانی که مردان برای دریافت آن مراجعه می‌کنند، مورد تحقیر و توهین قرار می‌گیرند. طالبان به این مردان می‌گویند، شما چگونه مرد هستید که زنان‌تان کار می‌کنند؟ چقدر بی‌غیرت هستید که به زنان خود اجازه کار کردن در بیرون از خانه را می‌دهید.» با این وجود، داشتن ریش بلند، دستار و پوشش مورد نظر طالبان، از شرایط محارم شرعی می‌باشد و اداره امر به معروف به مردانی که ریش کوتاه و پوشش مناسب نداشته باشند «کارت محرم» نمی‌دهند.

الزام زنان شاغل به داشتن محرم شرعی، چالش‌ها و مشکلات جدی را برای آن‌ها ایجاد نموده است. چنان‌که در این مورد یک آموزگار از ولایت هلمند در گفتگو با رواداری اظهار داشته است که: «(اداره امر به معروف به تمام کارمندان و آموزگاران زن در مکاتب ابتدائیه اعلام نموده که بدون همراهی محارم شرعی حق حضور در مکاتب را ندارند.)» مؤسسات ارایه‌کننده خدمات صحتی نیز زنان بدون محرم را استخدام نمی‌کنند. به طور مثال یک مؤسسه در ولایت پروان که در تاریخ ۲۷ اپریل ۲۰۲۵ امتحان رقابتی در پنج ولسوالی برگزار کرده بود، تنها آن عده داوطلبان زن را انتخاب کردند که دارای محارم شرعی بودند. در ولایت هرات، زنان از بست‌های واکسیناتوری به دلیل نداشتن محرم شرعی، برکنار شده‌اند.

37 . اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۳. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مواد ۶ و ۷.

هم‌چنین، معلومات نشان می‌دهد زنانی که در بخش‌های صحت و آموزشی کار می‌کردند، اما محرم نداشتند، از سوی طالبان اخراج شده‌اند. به عنوان نمونه، در تاریخ ۱۲ فیبروری ۲۰۲۵ یک کارمند زن در یکی از موسسات داخلی در ولایت غور به دلیل نداشتن محرم از سوی طالبان از کار اخراج شد. او تنها سرپرست و نان‌آور خانواده خود بود که به خاطر نداشتن محرم، برکنار گردید. همین‌طور، در ولایت بادغیس، طالبان چند تن از قابله‌ها و نرس‌ها را به خاطر نداشتن محرم از کار اخراج نموده‌اند.

در ولایت‌های نیمروز، قندهار، هلمند، زابل و ارزگان، ادارات کار و امور اجتماعی اعلام کرده‌اند که در بخش تجارت‌های کوچک و برنامه‌های آموزش فن و حرفه، به زنان جواز کار نمی‌دهند و آن‌ها مجبورند که جواز کار خود را به نام یک مرد از اعضای خانواده بگیرند.

کاهش کمک‌های بین‌المللی از جمله تعلیق پروژه‌های انکشافی ایالات متحده آمریکا و توقف فعالیت شماری از مؤسسات نیز سبب شده است که زنان زیادی در سراسر کشور شغل خود را از دست بدهند. این زنان در بخش‌های صحت، مشاوره برای زنان باردار، توزیع مواد برای کودکان سوتغذی، واکسن پولیو و برنامه‌های حمایتی از زنان و کودکان مصروف کار بودند.

چالش‌های دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی

اسناد و معاهدات مختلف بین‌المللی دسترسی موثر به خدمات و مراقبت‌های بهداشتی را به عنوان یک حق بشری برای تمام افراد به رسمیت شناخته و تضمین کرده است. محروم‌سازی عمدی افراد از این حق، به‌ویژه بر مبنای جنسیت یا دلایل تبعیض‌آمیز دیگر، منع قانونی دارد و نقض حقوق بشر به‌شمار می‌رود. از این‌رو، دولت‌های متعهد باید اقدامات و تمهیدات لازم را برای تسهیل دسترسی شهروندان به این خدمات اتخاذ و اجرا نمایند.^{۳۸}

با این حال، نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که در نیمه نخست سال ۲۰۲۵، شرایط دسترسی زنان به خدمات بهداشتی و درمانی، به دلیل سیاست‌های محدود کننده و تبعیض‌آمیز اعمال شده از سوی طالبان، بدتر شده است. این محدودیت‌ها شامل مکلف شدن زنان به داشتن محرم و رعایت حجاب مورد نظر طالبان است که باید از سوی زنانی که در مراکز خدمات صحتی کار مشغول به‌کار هستند و زنانی که به‌منظور دریافت خدمات به این مراکز مراجعه می‌کنند، رعایت شود. ماموران امر به معروف به‌طور مداوم بر شفاخانه‌ها و سایر مراکز بهداشتی و درمانی نظارت نموده و اجرای این محدودیت‌ها را پیگیری می‌کنند.

به همین دلیل، شماری از داکتران و پرستاران زن ناگزیر به ترک وظیفه شده و برخی دیگر تلاش می‌کنند با ایجاد معاینه‌خانه‌های شخصی در خانه‌های خود، از نظارت‌ها و فشارهای نابجای ماموران امر به معروف به‌دور باشند. طالبان هم‌چنین، بخش‌های زنانه و مردانه مراکز صحتی را به‌طور کامل از یکدیگر جدا نموده و به زنان و مردان اجازه نمی‌دهند که در یک بخش با هم کار کنند.

در ولایت قندهار، طالبان تمام بست‌های مشاوران صحت روانی در شفاخانه‌ها را که بیش‌تر در اختیار زنان قرار داشت، لغو کرده‌اند. آن‌ها هم‌چنین اعلام نموده‌اند که زنان هنگام مراجعه به شفاخانه‌ها و مراکز صحتی برای دریافت خدمات، باید محرم شرعی با خود داشته باشند. به همین دلیل در حال حاضر در کلینیک‌های ولسوالی سنگین، ولسوالی مارجه و کلینیک کارته‌لگان شهر لشکرگاه ولایت هلمند، زنان بدون محرم را تداوی نمی‌کنند. در ولایت غزنی نیز، دو شفاخانه ولایتی و حوزه‌ای، برای زنان بدون محرم شرعی خدمات صحتی ارائه نمی‌کنند. کارمندان امر به معروف به‌صورت منظم و هفته سه تا چهار بار از مراکز صحتی این ولایت نظارت می‌کنند تا اجرای محدودیت‌ها در زمینه حجاب و نوع پوشش زنان را پیگیری کنند. همین‌طور مراکز صحتی در ولایت غور نیز، از تداوی و معالجه زنان بدون محرم شرعی خودداری می‌کنند.

هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان نیز در گزارشی گفته است که محتسبان امر به معروف و نهی از منکر به کلینیک‌های صحتی، دکاکین، بازارها، دفاتر دولتی، و تکسی‌ران‌ها دستور داده‌اند که به زنان بدون محرم خدمات ارائه نکنند.^{۳۹}

38. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۵. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۲.

39. هیأت معاونت سازمان ملل متحد، وضعیت حقوق بشر در افغانستان: گزارش تازه اپریل-جون ۲۰۲۵، ص ۲. <https://unama.unmissions.org/human-rights-monitoring-and-reporting-0>

روایت‌های مصاحبه‌شوندگان

یک مصاحبه‌شونده از ولایت غزنی گفته است: «شوهرم ایران رفته است، یک روز پسر ده ساله‌ام را که تب شدید داشت و استغراق می‌کرد، به شفاخانه بردم. آن لحظه کارمندان امر به معروف برای نظارت آمده بودند و وقتی متوجه شدند که من محرم ندارم اجازه ندادند که به شفاخانه داخل شوم. گفتند برو با شوهر یا برادرت بیا. وضعیت‌ام را توضیح دادم و گفتم شوهرم برای کار به ایران رفته است، پاسخ دادند شوهرت بی‌غیرت است که تو را تنها مانده و ایران رفته. نا امید از آن جا برگشتم و به یک شفاخانه خصوصی رفتم.»

مصاحبه‌شونده دیگر از ولایت پروان گفته است در تاریخ ۲۳ می ۲۰۲۵ زمانی که برای تداوی به داکتر مراجعه کرده، به دلیل نداشتن محرم او را به معاینه خانه اجازه نداده است. این مصاحبه‌شونده گفته که بیش‌تر از ۵۰ سال سن دارد و یگانه پسرش برای کار به ایران مهاجر شده است. او روایت کرده است: «به داکتر التماس کردم که مرا معاینه کند اما ناراحت شد و با صدای بلند گفت محرمات کجاست، به خاطر معاینه زنان بدون محرم اداره امر به معروف معاینه خانه‌ام را بسته کرده بود.»

مصاحبه‌شونده دیگر از این ولایت معلومات داده است که ماموران امر به معروف گاهی به صورت ناشناس در میان مراجعین مراکز صحتی حضور می‌یابند و افرادی را که ظاهر و نوع پوشششان با معیارهای مورد نظر این اداره مطابقت نداشته باشد مورد توهین و تحقیر قرار می‌دهند. او هم چنین گفته است که: «اداره امر به معروف در ولایت پروان تأکید کرده که داکتران مرد اجازه تداوی زنان و دختران بدون محرم را ندارند. داکتران زن از پوشیدن لباس‌های رنگی که جلب توجه می‌کند خودداری نموده، صورت خود را با ماسک بپوشانند و هنگام رفت و آمد به محل کار، از برقع استفاده نمایند.»

با توجه به محدودیت‌های وضع شده از سوی طالبان و نیز متوقف شدن فعالیت برخی از مؤسسات غیردولتی، همان‌گونه که توضیح داده شد، شمار کارمندان زن در بخش‌های بهداشتی و درمانی، به‌ویژه در ولسوالی‌ها و نقاط دور افتاده کشور، کاهش یافته است. به همین دلیل، در حال حاضر اکثر ولادت‌ها در خانه صورت می‌گیرد؛ زیرا بخش‌های ولادی و نسایی در مراکز صحتی به دلیل نبود داکتران و پرستاران زن، مسدود شده‌اند.

این در حالی است که دسترسی به داروها و دیگر مراقبت‌های مرتبط به پیش‌گیری از بارداری، در بخش‌های متعدد کشور محدود شده است به خاطر این‌که طالبان فرزندآوری را تشویق می‌کنند و جلوگیری از آن را اقدام خلاف موازین اسلامی تعبیر می‌کنند.

نقض حق گشت و گذار آزادانه

حق گشت و گذار آزادانه از مهم‌ترین مصادیق حقوق بشر به‌شمار می‌رود و تضمین می‌کند که هر فرد بتواند بدون محدودیت‌های غیر موجه و تبعیض‌آمیز، در داخل کشور یا خارج از آن رفت و آمد نموده و محل اقامت خود را آزادانه انتخاب نماید.^{۴۰} دولت‌های عضو معاهدات بین‌المللی موظف‌اند که ضمن پرهیز از هرگونه اقدامات تبعیض‌آمیز، حقوق زنان را در زمینه گشت و گذار آزادانه به‌صورت برابر با مردان تضمین و حمایت کنند.^{۴۱}

با این وصف، طالبان از زمان بازگشت به قدرت، حق گشت و گذار آزادانه زنان را به‌طور گسترده محدود کرده‌اند و به‌ویژه پس از انتشار قانون امر به معروف، این محدودیت‌ها بیش‌تر و سازمان‌یافته‌تر نیز شده است. چنان‌که در حال حاضر زنان در شمار زیادی از بخش‌های کشور، حتا با داشتن حجاب و محرم شرعی، حق دسترسی به اماکن تفریحی، ورزشی، زیارتگاه‌ها، پارک‌ها، سالن‌های عروسی، فروشگاه‌ها و دیگر اماکن عمومی را ندارند. در حوزه جنوب غرب، زنان از رفتن به قبرستان، مساجد، دکان‌های شیرین و آیس‌کریم‌فروشی نیز منع شده‌اند.

زنان بدون محرم نمی‌توانند در رستوران‌ها غذا بخورند، از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنند و در داخل یا خارج از کشور سفر نمایند. بنابر یافته‌های این گزارش، رانندگانی که زنان بدون محرم را سوار وسایط نقلیه خود نمایند یا فروشندگانی که به زنان چیزی بفروشند، مورد

40 . میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۲.

41 . مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان، (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹)، ماده ۱۵.

بازجویی قرار گرفته و بازداشت می‌شوند. قانون امر به معروف صحبت زنان در حضور مردان نامحرم را حتا اگر به مقصد بیان مشکلات صحتی با داکتر یا هنگام حضور در دادگاه‌ها باشد، منع می‌کنند. چون به موجب این قانون، صدای زنان «عورت» و شنیده شدن آن حرام است. خطیبان برخی از مساجد در ولایت بادغیس به‌طور مداوم در مناسبت‌های مختلف مذهبی تبلیغ می‌کنند که حضور زنان در اماکن عمومی منع شرعی دارد و حرام است.

ماموران امر به معروف در حوزه جنوب غرب، زنانی را که برای خریداری لوازم ضروری به فروشگاه‌ها رفته بودند، مورد تحقیر و توهین قرار داده و شماری از آنان را بازداشت کرده‌اند. به‌طور مثال در ماه فبروری ۲۰۲۵ یک زن بزرگ سال از این حوزه، که برای خریداری مواد اولیه به شهر رفته بود، توسط طالبان بازداشت و مستقیماً به زندان عمومی منتقل شد. یوناما نیز، در گزارشی اعلام کرده است که مواردی از آزار و اذیت یا لت و کوب زنان در محلات تلاشی به دلیل رعایت نکردن حجاب اسلامی، طبق تفسیر مقامات اداره حاکم، یا مواردی از دستور برگشتن به خانه از بازار به دلیل رفتن به خریداری بدون محروم را مستند کرده است.^{۴۲}

هم‌چنین، طالبان در ولایت‌های قندهار، زابل، هلمند و ارزگان زنان را از رفتن به سالن‌های عروسی منع نموده و دلیل آن را «محیط نامناسب و حضور مردان هنگام توزیع غذا»، عنوان کرده‌اند. هرچند این موضوع با اعتراض صاحبان سالن‌های عروسی مواجه شد، اما اداره امر معروف بازگشایی این سالن‌ها را مشروط به فراهم کردن شرایط مورد نظر برای حضور زنان کرده است.

علاوه بر این، والی طالبان در قندهار، با ایجاد یک کمیسیون متشکل از نمایندگان چندین اداره دولتی، زنان یک منطقه را که با کمبود آب آشامیدنی مواجه هستند و معمولاً آن را خریداری می‌کنند، از رفتن به جوی آب برای شستن لباس، فرش و سایر لوازم خانگی منع کرده است.

روایت‌های مصاحبه‌شوندگان

یک مصاحبه‌شونده از ولسوالی موسی قلعه ولایت هلمند گفته است که طالبان چندین بار اعلام کردند که زنان اجازه‌ی رفتن به مارکیت زنانه این ولسوالی را ندارند. اما مردم مخالفت نموده و تأکید کردند که زنان می‌توانند از این مارکیت مواد و لوازم مورد نیاز خود را خریداری کنند. در نهایت، طالبان دروازه این مارکیت را بستند و زنان را به‌طور کامل از دسترسی به آن محروم ساختند. در ولسوالی سنگین این ولایت نیز، زنان اجازه‌ی رفتن به شهر و خریداری را ندارند. هم‌چنین، ماموران امر به معروف از مارکیت زنانه در شهر لشکرگاه نظارت می‌کنند و اگر زنان حجاب مورد نظر آن‌ها را نداشته باشند، یا با فروشندگان و دکانداران صحبت کنند، بلافاصله بازداشت می‌شوند.

یک مصاحبه‌شونده از ولایت نیمروز گفته است: «وقتی با شوهرم برای اخذ اسناد تحصیلی به ریاست معارف طالبان رفتیم، به ما اجازه‌ی داخل شدن ندادند و گفتند که در صحن اداره منتظر باشیم. زمانی که شوهرم داخل اداره رفته بود، یک طالب مسلح آمد و با لحن تحقیرآمیز گفت عاجزه چرا داخل آمدی زود بیرون شو.»

مصاحبه‌شونده دیگر از ولایت پروان بیان کرده است که: «وقتی زنان از خانه خارج می‌شوند، ملزم به استفاده از ماسک هستند، اما به دلیل گرمای شدید گاهی ماسک از صورت پایین می‌افتد و همین امر موجب برخورد توهین‌آمیز ماموران اداره امر به معروف با زنان می‌شود» او روایت می‌کند که یک زن میانسال هنگام خرید از بازار، به دلیل گرما و مشکل تنفسی، ماسک بر صورت نداشت و در نتیجه از سوی محتسبان امر به معروف با رفتار خشونت‌آمیز مواجه شد. محتسبان به او هشدار دادند که بعد از این در اماکن عمومی باید از ماسک استفاده کند.

42 هیأت معاونت سازمان ملل متحد، عدم موجودیت پناهگاه امن: افرادی که به‌طور غیر دواطلبانه به افغانستان برگشته‌اند با خطرات حقوق بشری مواجه‌اند، جولای ۲۰۲۵، ص ۸، <https://unama.unmissions.org/human-rights-monitoring-and-reporting-0>

هم‌چنین، یک مصاحبه‌شونده از ولایت بدخشان گفته است زمانی‌که با همسرش برای تفریح به ولسوالی شهدا می‌رفته توسط ماموران امر به معروف متوقف و از او خواسته شده که همسرش را از موتر پایین کند چون زنان اجازه‌ی رفتن به تفریحگاه‌ها را ندارند. سرانجام او و تعدادی دیگر از خانواده‌ها مجبور شدند که پس به خانه‌های خود برگردند.

در ولایت بامیان در تاریخ ۱۳ اپریل ۲۰۲۵، طالبان یک دانش‌آموز دختر را به اتهام نداشتن حجاب مناسب، بازداشت کردند. او روایت کرده است که: «در بازار بودم و چادری نداشتم اما روسری و لباس بلند پوشیده بودم که موتر ماموران اداره امر به معروف کنارم توقف کرد. سه مرد از آن پیاده شد و یکی از آن‌ها فریاد زد که چرا چهره‌ات برهنه است، شرم نداری؟ تلاش کردم برای شان توضیح بدهم اما اعتنایی نکردند، مرا به زور سوار موتر کردند و به اداره امر به معروف بردند. پدرم را خواستند و تهدید کردند که اگر بار دیگر این گونه در اماکن عمومی حضور پیدا کنی، دوباره تو را بازداشت می‌کنیم و شلاق می‌زنیم. پس از آن که تعهد کتبی از پدرم گرفتند مرا آزاد کردند.»

مصاحبه‌شونده دیگر از ولایت غزنی چنین روایت کرده است: «دو هفته پیش یکی از بستگانم در مرکز ولایت، همراه با همسرش برای خرید به شهر رفته بود که به اتهام بدحجابی همسرش مورد تحقیر و توهین ماموران امر به معروف قرار گرفته و بازداشت شد. مردم محل به ماموران امر به معروف بسیار التماس کردند که او را آزاد نمایند؛ اما آنان اعتنایی نکردند و وی را به زندان بردند. من با دو نفر دیگر برای ضمانت و رهایی او به اداره امر به معروف رفتیم، اما به خاطر این‌که یکی از همراهانم ریش کوتاه داشت از سوی کارمندان اداره امر به معروف مورد تحقیر و توهین قرار گرفت و ضمانت‌اش پذیرفته نشد. این فرد روز بعد با ارائه سه ضمانت خط از زندان رها شد.»



Photo (C) Alamy - Imago

عدم دسترسی به عدالت

اسناد بین‌المللی حقوق بشر از حق همه افراد؛ اعم از زنان و مردان برای دسترسی به محاکم مستقل و بی‌طرف، دسترسی به وکیل مدافع و دیگر موازین محاکمه عادلانه حمایت می‌کند.^{۴۳} کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض از زنان، کشورهای عضو را مکلف کرده که با اتخاذ تدابیر قانونی و اجرایی، دسترسی برابر زنان به عدالت، حمایت‌های قانونی، محاکم و نهادهای قضایی را برای رسیدگی به شکایات و دفاع از حقوق آن‌ها تضمین نمایند.^{۴۴}

با این وجود، طالبان در جریان چهار سال گذشته، چارچوب‌های حقوقی حمایت از زنان را از بین برده و با صدور فرامین متعدد زمینه‌ها و امکان دسترسی آنان به عدالت را به شدت محدود کرده‌اند. بنابراین، در حال حاضر نه تنها هیچ سازوکار حقوقی مؤثر برای رسیدگی به شکایات زنان قربانی خشونت و نقض حقوق بشر وجود ندارد، بلکه با توجه به شرایط سخت‌گیرانه موجود و رویکرد تبعیض‌آمیز نهادهای عدلی و قضایی طالبان، زنان به صورت مضاعف متضرر می‌شوند و به این ترتیب بخش عمده‌ای از مظالم و خشونت‌های اعمال شده بر آنان، بدون هرگونه پیگیری یا رسیدگی قانونی باقی می‌ماند. این وضعیت سبب تداوم چرخه خشونت علیه زنان و نقض حقوق اساسی آنان شده است.

همچنین، یافته‌های گزارش حاضر نشان می‌دهد که اجرای قانون موسوم به «امر به معروف و نهی از منکر طالبان» تبعیض را در این زمینه تشدید کرده و امکان دسترسی زنان به عدالت را محدودتر و در بسیاری موارد ناممکن ساخته است. فقدان تخصص و تجربه حرفه‌ای در میان کارمندان نهادهای عدلی و قضایی مقامات حاکم و تاخیر طولانی مدت رسیدگی به پرونده‌های جزایی و حقوقی، وضعیت را وخیم‌تر نیز کرده است.

عدم رسیدگی به موارد خشونت علیه زنان

قضات طالبان باور دارند که زنان نباید از شوهران خود به خاطر خشونت شکایت کنند و رسیدگی به شکایات مبنی بر خشونت علیه زنان در محاکم، میراث دوران جمهوریت و عامل از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها می‌باشد.^{۴۵} به همین دلیل است که نهادهای عدلی و قضایی طالبان، به شکایات زنان قربانی خشونت و به‌ویژه در مورد درخواست طلاق و تفریق، ترتیب اثر نمی‌دهند. با این وجود، اغلب شکایات مبنی بر خشونت علیه زنان از طریق مکانیسم‌های غیر قضایی و معمولاً به نفع مرتکبان حل و فصل می‌شود.

از سوی دیگر، بر اساس قانون امر به معروف، زنان نمی‌توانند به صورت مستقیم و بدون همراهی یکی از محارم شرعی خود، برای ثبت شکایت و دادخواهی به نهادهای عدلی و قضایی مراجعه کنند. اگر زنان به این دستور عمل نکنند نه تنها به شکایت شان اعتنایی صورت نمی‌گیرد بلکه با رفتار تحقیرآمیز، خشونت و بدرفتاری نیز مواجه می‌شوند.^{۴۶} از این رو، قربانیان خشونت از ترس تحقیر و توهین و عدم اعتماد، به این نهادها مراجعه نمی‌کنند و مجبور به تحمل خشونت‌های اعمال شده می‌شوند.

گزارش‌گر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز در گزارشی گفته است که قضات طالبان در مورد پرونده‌های خشونت علیه زنان و درخواست طلاق، اغلب با نگرش مردسالارانه برخورد نموده و قربانیان را به اطاعت از شوهران شان تشویق می‌کنند.^{۴۷}

با توجه به آن‌چه توضیح داده شد، در حال حاضر نه تنها امکان دسترسی به عدالت برای زنان قربانی خشونت در افغانستان وجود ندارد، بلکه محاکم طالبان در مواردی حتا به شدیدترین اشکال خشونت اعمال شده، مشروعیت نیز می‌دهند. به طور مثال، یک وکیل مدافع از حوزه جنوب غرب کشور به رواداری گفته است که: «در ماه جون ۲۰۲۵ یک مرد در بدل قرض خود، دختر ۷ ساله‌اش را به عقد نکاح یک مرد که بیش‌تر از ۵۰ سال سن دارد درآورده بود. این قضیه در شبکه‌های اجتماعی سرو صدای زیادی ایجاد کرد که در نهایت، طالبان مجبور به بازداشت هر دو طرف شدند. این پرونده بعداً به دادگاه طالبان ارجاع داده شد و قضات فیصله کردند که دختر پس از آن‌که به سن ۹ سالگی رسید به عقد نکاح این

43 . میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۴.

44 . کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، ماده ۱۵، ۱۸.

45 . رواداری، وضعیت حقوق بشر در سال ۲۰۲۴، ص ۳۲.

46 . همان، ص ۳۳.

47 . کمیساریای عالی سازمان ملل متحد، گزارش‌گر ویژه، دسترسی به عدالت و حمایت برای زنان و دختران و تأثیر اشکال متعدد و متقاطع تبعیض، ۱۱ جون ۲۰۲۵، ص ۹، <https://www.ohchr.org/en/documents/country-reports/ahrc5925-access-justice-and-protection-women-and-girls-and-impact>

مرد در آورده شود.» این حکم دادگاه طالبان که مغایر با تمام موازین حقوق بشری بوده و به صورت آشکار کرامت انسانی کودک قربانی را نقض می‌کند، به خوبی نشان می‌دهد که دسترسی به عدالت برای قربانیان خشونت علیه زن در نظام عدلی و قضایی طالبان به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست.

بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده، اداره امر به معروف طالبان در شماری از ولایت‌ها به برخی از شکایات مبنی بر خشونت علیه زن رسیدگی می‌کنند. به طور مثال در ولایت میدان وردک این اداره تنها در صورتی به شکایات زنان قربانی خشونت رسیدگی می‌کنند که دعوا از طرف پدر قربانی علیه خانواده شوهر مطرح شده باشد. در ولایت غزنی نیز به شکایات مادران در مورد خشونت و بدرفتاری فرزندان‌شان رسیدگی می‌شود. در ولایت پروان این اداره برای رسیدگی به موارد حاد مانند قتل و ضرب و جرح شدید اقدام می‌کنند. با این وجود، اما اداره مذکور هیچ گزارش و اطلاعات معتبر در مورد چگونگی رسیدگی به پرونده‌ها و تأمین عدالت برای قربانیان منتشر نکرده است.

ادعای رسیدگی به شکایات زنان در مورد خشونت‌های خانگی از سوی اداره ای که بیش‌ترین نقش را در سرکوب و انکار حقوق اساسی زنان دارد، یک نوع تضاد آشکار و ابزار تبلیغاتی است. زیرا شواهد نشان می‌دهد که وظیفه‌ای ذاتی اداره امر به معروف آن‌گونه که در عمل به مشاهده می‌رسد، اجرای مقررات سخت‌گیرانه، بازداشت زنان به بهانه‌های گوناگون و سپس بدرفتاری و خشونت با آن‌ها می‌باشد.

باتوجه به آن‌چه در بخش‌های متعدد این گزارش در مورد وضعیت حقوق بشری زنان در افغانستان در شش ماه نخست سال جاری توضیح داده شد، ادارت امر به معروف، قوماندانی‌های امنیه و در برخی مناطق از جمله در حوزه جنوب غرب، شورای علما، ادارات محلی اطلاعات و فرهنگ، عدلیه و نهادهای امنیتی بیش‌ترین نقش را در اعمال محدودیت بر زندگی زنان و دختران این کشور دارند. علاوه بر این، ادارات محلی حج و اوقاف نیز از طریق امامان مساجد در تحمیل این محدودیت‌ها و تبلیغ قانون «امر به معروف و نهی از منکر» نقش اساسی ایفا می‌کند.

بخش سوم

وضعیت گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر



Photo (C) Unsplash - Qasim Mirzaie

یافته‌های گزارش حاضر نشان می‌دهد که گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر، در عرصه‌های چون دسترسی عادلانه به فرصت‌های شغلی، خدمات دولتی، کمک‌های بشردوستانه و بهره‌مندی از منابع و امکانات ملی، هم‌چنان با تبعیض روبرو هستند. شواهد نشان می‌دهد که طالبان در نیمه نخست سال جاری نه تنها اقدامی موثر برای رفع این تبعیض‌ها انجام نداده بلکه در توزیع فرصت‌ها، منابع و امکانات ملی و اجرای پروژه‌های انکشافی مرتکب تبعیض بیش‌تر و گسترده‌تر نیز شده‌اند. هم‌چنین گروه حاکم در این دوره‌ی گزارش‌دهی، شرایط سخت‌گیرانه‌ای بر آزادی اجرای مناسک مذهبی وضع نموده و در شماری از ولایت‌ها، به سرکوب عقاید مذهبی متفاوت و حتا اجبار اقلیت‌ها به تغییر مذهب‌شان اقدام کرده‌اند.

در این بخشی از گزارش به رفتار طالبان با گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر در عرصه‌های چون تخصیص منابع و اجرای پروژه‌های انکشافی، تأمین فرصت‌های عادلانه شغلی و استخدام در ادارات دولتی و آزادی انجام مناسک مذهبی به تفصیل پرداخته می‌شود.

تبعیض علیه گروه‌های قومی و مذهبی در ارائه خدمات دولتی و پروژه‌های انکشافی

در حالی که اسناد بین‌المللی حقوق بشر بر مصونیت افراد از هرگونه تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب و به‌ویژه تضمین دسترسی برابر به منابع و فرصت‌ها در تمامی زمینه‌های مادی و معنوی تأکید کرده است.^{۴۸} اما یافته‌های گزارش حاضر نشان می‌دهد که طالبان گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر را به‌صورت عمدی و با رویکرد تبعیض‌آمیز از دسترسی برابر به خدمات دولتی، پروژه‌های انکشافی، کمک‌های بشردوستانه و منابع ملی محروم کرده‌اند.

در ولایت بدخشان، باشندگان ولسوالی‌های عمدتاً اسماعیلی‌نشین به‌طور سیستماتیک از دسترسی به پروژه‌های انکشافی و عام‌المنفعه محروم شده‌اند. این در حالی است که بخش قابل توجهی این پروژه‌ها طی چهار سال گذشته در ولسوالی وردوج که زادگاه دو تن از مقامات ارشد طالبان می‌باشد تطبیق می‌شود.

در ولایت پروان نیز، روند مشابهی وجود دارد. چنان‌که منابع و خدمات دولتی به‌شکل نامتوازن به مناطقی اختصاص یافته که در دوران جمهوریت تحت کنترل طالبان قرار داشتند. ولسوالی‌های سیاه‌گرد، شینواری و کوه‌صافی از مناطقی هستند که طالبان اغلب پروژه‌های توسعه‌ای و دیگر حمایت‌های مالی را در آن‌ها اجرا می‌کنند. در ولایت غور، طالبان به مؤسسات دستور داده که پروژه‌های انکشافی را در ولسوالی‌ها و مناطقی تطبیق کنند که قبلاً تحت کنترل این گروه بوده است.

همین‌طور در ولایت غزنی، پروژه‌های انکشافی مانند اعمار جاده‌ها و مکاتب، کانال‌ها و شبکه‌های آب‌رسانی، به‌صورت تبعیض‌آمیز و غیر متوازن تطبیق می‌شوند. به‌طور مثال در ماه می سال ۲۰۲۵، طالبان از آغاز ۹۸ پروژه انکشافی به ارزش بیش از ۶ میلیون دالر آمریکایی خبر دادند که در بخش‌های زراعت، مالداری، اعمار بند ای آب‌گردان و دامداری در سه ولسوالی عمدتاً پشتون‌نشین زنه‌خان، خوگیانی و رشیدان در طول چهار سال آینده تطبیق خواهد شد. با این وجود، در نیمه نخست سال ۲۰۲۵، تنها سه پروژه به ارزش ۶۴۰۰۰ دالر در ولسوالی‌ها و مناطق شیعه‌نشین و تاجیک‌نشین این ولایت تطبیق شده است.

بر اساس یک خبرنامه ریاست احیا و انکشاف دهات طالبان در ولایت غزنی، از تاریخ ۱۴ تا ۱۷ فیبروری ۲۰۲۵ برای ۹۸۲۰ خانواده در ولسوالی‌های اندر، گیلان، قره‌باغ، آب‌بند و مقر کمک‌های نقدی و مواد غذایی توزیع شده است که شامل ۲۹۰۰ افغانی پول نقد و مواد غذایی بوده است. در میان این بسته‌های کمکی حتا یک خانواده از هزاره‌ها، تاجیک‌ها، بیات‌ها و دیگر اقلیت‌های قومی و مذهبی شامل نبوده‌اند.

48 . مجمع عمومی، منشور سازمان ملل متحد، (۱۹۴۵)، بند ۳، ماده ۱، بند ج، ماده ۵۵ و بند ۹ ماده ۳، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ و بند ۲، ماده ۲.

تبعیض در استخدام

به موجب اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تضمین حق کار و فراهم کردن شرایط عادلانه کاری، امنیت شغلی و جلوگیری از استخدام یا اخراج کارکنان دولتی بر اساس ویژگی‌های قومی، زبانی و مذهبی در زمره حقوق اساسی و بنیادین همه افراد می‌باشد.^{۴۹} دولت‌های عضو این اسناد مسئولیت دارند که با وضع و تصویب قوانین داخلی و اجرای دیگر اقدامات، شرایط عادلانه کار را برای همه شهروندان صرف‌نظر از هرگونه تعلق قومی، زبانی و مذهبی فراهم کنند.^{۵۰} با این وجود، گروه حاکم طی چهار سال گذشته، به مسئولیت‌های خود در این زمینه عمل نکرده و در استخدام و برکناری کارکنان ادارات دولتی تبعیض‌آمیز برخورد کرده‌اند.

هرچند طالبان در روند استخدام و تعینات دولتی وابستگی‌های ایدئولوژیک و سابقه عضویت، همکاری و وفاداری افراد به این گروه را بر تعلقات قومی و مذهبی مقدم می‌دانند، چنان‌که داوطلبان قبل از استخدام باید از سوی کمیسیون تصفیه یا اداره استخبارات تأیید شوند؛ اما یافته‌های رواداری در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که طالبان هم‌چنان به حذف کارمندان متعلق به گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر از نهادهای دولتی، ادامه داده‌اند.

در جریان ۶ ماه نخست سال جاری، تنقیصاتی در ساختار تشکیلاتی شماری از ادارات دولتی اعمال و بسیاری از بست‌های رسمی حذف شده است. این تغییرات بیش‌ترین تأثیر را بر وزارت تحصیلات عالی و دانشگاه‌های کشور گذاشته و موجب کاهش شمار قابل توجهی از بست‌های مسلکی و اداری در این نهادها شده است. هرچند این اقدام طالبان از زمان بازگشت به قدرت، ماهیت ایدئولوژیک داشته و ولایات مختلف را در بر گرفته است، اما در نیمه نخست سال جاری بست‌های تنقیص شده هیأت علمی و کارمندان اداری در برخی از دانشگاه‌ها به ویژه در کابل، پنجشیر و بامیان اغلب بر گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر تأثیر گذاشته است.

همین‌طور، در ولایت غزنی در جریان تنقیصات اخیر، بست‌های کارمندان متعلق به گروه قومی بیات، تاجیک و هزاره از ادارات دولتی حذف شده است. به‌طور مثال در ساختار تشکیلاتی اداره محلی اطلاعات و فرهنگ، بست‌های ۶ کارمند تاجیک‌تبار و یک کارمند هزاره‌تبار حذف شده است. هم‌چنین در تشکیلات فرماندهی امنیه این ولایت، ۶ کارمند هزاره و ۳ کارمند تاجیک‌تبار برکنار شده‌اند. والی طالبان در این ولایت نیز، ۷ تن از کارکنان تاجیک، بیات و هزاره را مستقیماً اخراج کرده است. یک‌تن از این کارمندان اظهار داشته است که شخص والی بست‌های حذف شده را به‌طور مشخص از میان کارکنان این سه گروه قومی انتخاب کرده است. از این میان تنها یک کارمند برکنار شده که قبلاً در بست مدیریت کار می‌کرد، با اصرار فراوان در بست هفتم به عنوان راننده دوباره استخدام شد.

مصاحبه‌شوندگان از ولایت نیمروز گفته‌اند که طالبان با رفتار تبعیض‌آمیز اقلیت‌های قومی و مذهبی را به حاشیه رانده و فرصت‌های کاری و به‌خصوص تجارت‌های مرزی را به اقوام و بستگان خود اختصاص داده و در بست‌های گمرکات کارمندان دیگر را استخدام نمی‌کنند. یک منبع دیگر از این ولایت گفته است که او کارمندان ادارات دولتی را می‌شناسد که به دلیل ترس از برکنار شدن، حتا مذهب و زبان خود را تغییر داده است. در ولایت بدخشان نیز طالبان با برکناری کارمندان متعلق به اقلیت‌ها از ساختار تشکیلاتی ادارات دولتی، روند استخدام را بر اساس وابستگی‌های قومی و مذهبی مدیریت می‌کنند.

49 . اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۳. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده‌های ۶، ۷ و ۸.

50 . میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ماده ۷

اعمال محدودیت بر آزادی‌های مذهبی

بر اساس آن چه در اسناد و معاهدات بین‌المللی حقوق بشر آمده است، آزادی مذهبی متضمن آزادی عقیده و آزادی در اجرای تعلیمات و مراسم دینی است.^{۵۱} میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خواه به‌طور فردی یا جمعی خواه به‌طور علنی یا در خفا و آزادی در اجرای عبادات، آداب، اعمال و تعلیمات مذهبی را به رسمیت شناخته است.^{۵۲} همین‌طور، سند مذکور اعلام نموده که اشخاص متعلق به اقلیت‌های نژادی، قومی و دینی حق دارند به‌طور خصوصی یا عمومی، آزادانه و بدون مداخله یا اعمال هر نوع تبعیض، از فرهنگ خاص خود بهره‌مند باشند، به دین خود معترف بوده و بدان عمل و از زبان خاص خود استفاده کنند.^{۵۳}

با این وجود، نتایج بررسی‌های رواداری نشان می‌دهد که طالبان در جریان شش ماه نخست سال ۲۰۲۵، به سرکوب آزادی‌های مذهبی ادامه داده و محدودیت‌های گسترده‌ای را بر اجرای مناسک دینی اقلیت‌های مذهبی اعمال کرده‌اند. برای نمونه آن‌ها با ایجاد محدودیت در برگزاری مراسم مذهبی شیعیان در دهه محرم، در بخش‌های مختلف کشور از جمله شهر کابل، و ولایت‌های هرات، غزنی، پروان، نیمروز، غور و بامیان پرچم‌ها و دیگر نمادهای عزاداری را از سطح شهر جمع‌آوری نموده و محلات توزیع نذر و طعام را تخریب کردند.

طالبان برخی از مسئولان مساجد را در ولایت هرات نیز به‌صورت کوتاه‌مدت بازداشت نمودند. در ولایت غزنی آن‌ها با تشکیل کمیته‌ای متشکل از نمایندگان ادارات دولتی، به مساجد و مراکز مذهبی شیعیان اعلام کردند که استفاده از بلندگوها در طول شب و روز ممنوع است و عزا داری نباید در فضای باز برگزار شود.

یک مصاحبه‌شونده از ولایت پروان گفته است که مردم منطقه همه ساله در دهه محرم برای عزاداری به‌صورت گروهی از یک مسجد به مسجد دیگر رفت و آمد می‌کردند؛ اما امسال طالبان اجازه برگزاری این مراسم را ندادند، پرچم‌های مذهبی را پایین کشیدند و از حضور زنان در قبرستان‌ها به منظور دعا برای درگذشتگان شان ممانعت نمودند.

در ولایت بادغیس، طالبان دانش‌آموزان پسر در مکاتب را مکلف کرده‌اند که بدون توجه به مذهب‌شان در نماز جماعت ظهر یا عصر شرکت کنند و در صورت عدم توجه، از مکتب اخراج خواهند شد. هم‌چنین، در ماه جنوری ۲۰۲۵ قوماندان امنیه یکی از ولسوالی‌های ولایت غزنی به دو کارگر شیعه مذهب در بخش تنظیف و آشپزخانه دستور داده بود تا زمانی که او قوماندان امنیه است باید با دستان بسته و مطابق فقه حنفی نماز جماعت بخوانند.

در تاریخ ۲۹ مارچ ۲۰۲۵ طالبان شماری از شهروندان شیعه مذهب در ولایت غزنی را مجبور کردند تا بر خلاف باورهای مذهبی‌شان، روز یک‌شنبه را روزه نگیرند و نماز عید بخوانند. در حالی که مراجع مذهبی شیعیان روز دو شنبه را روز اول عید اعلام کرده بودند. اداره امر به معروف طالبان رئیس شورای علمای شیعه و امام جماعت یکی از مساجد را تحت فشار قرار داده بود تا نماز عید را در زمان اعلام شده توسط طالبان، برگزار کند. او در سخنرانی خود به نمازگزاران گفت که به دلیل تهدیدهای طالبان به اجرای این کار مجبور شده است. هم‌چنین، طالبان در مرکز ولایت غزنی سه عالم دینی شیعه مذهب را به خاطر برگزاری نماز عید در روز دو شنبه بازداشت نموده و در ولسوالی‌های جاغوری و مالستان شماری از شهروندان شیعه مذهب را که مطابق باورهای دینی خود روزه داشتند، مجبور به افطار و نوشیدن آب نمودند.

قبل از آن، اداره امر به معروف با احضار اعضای شورای علمای شیعه در این ولایت، گفته بودند که ماه مبارک رمضان را مطابق اعلام طالبان و بر اساس فقه حنفی آغاز کنند...

51. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۷.

52. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۸.

53. همان، ماده ۲۷.

اجبار شیعیان اسماعیلی به تغییر مذهب و آموزش فقه حنفی

شواهد و معلومات بدست آمده نشان می دهد که طالبان در جریان شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ هم چنان به تحمیل فشارهای ایدئولوژیک و اجبار شیعیان اسماعیلی به تغییر مذهب در ولایت بدخشان ادامه داده اند. چنان که در حال حاضر در تمام ولسوالی های اسماعیلی نشین، طالبان مدارس دینی را فعال نموده و به اجبار به فرزندان خانواده های اسماعیلی فقه حنفی را آموزش می دهند. اقدامی که در نوع خود، شدیدترین نقض حقوق بشر و به خصوص نقض آزادی مذهبی به شمار می رود. بر بنیاد یافته های این گزارش، از سال گذشته به این سو، دست کم ۲۰۳ تن از پیروان این اقلیت مذهبی در ولسوالی های شغنان، اشکاشم، خواهان، نسی و مایمی ولایت بدخشان، مجبور به تغییر مذهب خود شده اند.

در تاریخ ۱ جنوری ۲۰۲۵ یک تن از فرماندهان محلی طالبان در ولسوالی دروازاها از اسماعیلی ها خواسته بود که مذهب خود را به حنفی تغییر بدهند. یک مصاحبه شونده از این ولسوالی گفته است که: «جمعه خان فاتح، یک تن از فرماندهان تندور طالبان که از سال های دور به این سو در قتل و آزار اذیت اسماعیلی ها دست دارد، در ولسوالی های دروازاها بر اعضای این اقلیت مذهبی فشار وارد نموده تا مذهب خود را تغییر بدهند. او به این مردم گفته است که مذهب شما شرک و کفر است و بیاید به مذهب حنفی بگرابید. پس از آن که این قضیه رسانه ای شد، همین قوماندان شماری از پیروان اهل تشیع را مجبور نمودند تا در مقابل کمره اعلام کنند که با رضایت و بدون جبر و اکراه از مذهب خود برگشته اند.» از سوی دیگر، معلومات بدست آمده نشان می دهد که طالبان در ولسوالی های شغنان، زیباک، اشکاشم و دروازاها به تکرار اعلام کرده اند که پیوند ازدواج بین خانواده های اسماعیلی با خانواده اهل سنت مجاز نیست و نباید صورت بگیرد.

بخش چهارم

نتیجه‌گیری و پیشنهادات



Photo (C) Adobe Stock

نتیجه‌گیری

چنان‌که یافته‌های این گزارش نشان داده است، در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵، نقض حقوق بشر در افغانستان، به‌ویژه قتل‌های هدفمند و فرا قضایی، بازداشت‌های خودسرانه و غیر قانونی، اجرای مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده و اعمال محدودیت بر حقوق و آزادی‌های انسانی زنان، به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است.

مقامات حاکم طی این مدت در چارچوب سیاست‌های سازمان‌یافته و هدفمند خود علیه زنان و دختران این کشور، به تشدید هرچه بیش‌تر تبعیض در عرصه‌های چون آموزش، کار، گشت و گذار آزادانه و دسترسی به عدالت اقدام نموده‌اند؛ امری که می‌تواند مصداق تعذیب جنسیتی و جنایت علیه بشریت تلقی گردد.

گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر نیز به‌صورت عمدی و تبعیض‌آمیز از دسترسی عادلانه به فرصت‌های شغلی، منابع و امکانات ملی و پروژه‌های انکشافی محروم شده‌اند. همان‌گونه که یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد، طالبان علاوه بر رفتار تبعیض‌آمیز در عرصه‌های یاد شده، هم‌چنین بر آزادی اجرای مناسک مذهبی محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای وضع کرده‌اند.

هم‌زمان، کارمندان حکومت پیشین، مخالفان و معترضان، فعالان حقوق بشر و خبرنگاران، هدف حملات خشونت‌آمیز و انتقام‌جویانه قرار گرفته و به‌طور خودسرانه و غیر قانونی بازداشت، ناپدید، شکنجه و حتی به قتل رسیده‌اند. همین‌طور، طالبان گردهمایی‌ها و تجمعات اعتراضی را با توسل به زور و خشونت سرکوب نموده و معترضان را بازداشت، زخمی و به قتل رسانده‌اند.

میزان تطبیق مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده از جمله اعدام و شلاق زدن در انتظار عمومی نیز در این دوره گزارش‌دهی به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است که نشان‌دهنده بی‌اعتنایی مقامات حاکم به اصول محاکمه عادلانه و موازین حقوق بشر می‌باشد.

با این وجود، تداوم فرهنگ ریشه‌دار مصئونیت از مجازات و عدم پاسخ‌گویی، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش میزان نقض حقوق بشر در این کشور می‌باشد و تا زمانی‌که عاملان و مسئولان وضعیت کنونی به‌صورت مؤثر از طریق سازوکارهای قضایی بین‌المللی، پاسخ‌گو ساخته نشوند نقض حقوق بشر هم‌چنان ادامه خواهد یافت. هرچند در ماه‌های اخیر، پیشرفت‌های خوبی در زمینه به محاکمه کشاندن شماری از رهبران طالبان برای ارتکاب جنایت علیه بشریت، بدست‌آمده است؛ اما رسیدگی به نقض گسترده حقوق بشر و به‌خصوص پایان دادن به تبعیض سیستماتیک و سازمان‌یافته علیه زنان و دختران این کشور، مستلزم به‌کارگیری تمامی ابزارهای قانونی و سازوکارهای قضایی بین‌المللی می‌باشد.

پیشنهادهای

رواداری برای رسیدگی به وضعیت نگران‌کننده حقوق بشر در افغانستان و رسیدگی به چالش‌ها و مشکلات موجود پیشنهاد ذیل را به مقامات حاکم و جامعه جهانی ارائه می‌کند.

به مقامات حاکم:

از مقامات حاکم جدا می‌خواهیم که بیش‌تر از این به ارتکاب نقض حقوق بشر ادامه نداده و به مسئولیت‌های خود در راستای اجرای مفاد و مقررات مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر که افغانستان به آن‌ها پیوسته است، عمل نمایند.

محروم‌سازی عامدانه و هدفمند زنان از حقوق و آزادی‌های بشری‌شان، علاوه بر وارد ساختن آسیب‌های پایدار و دایمی بر فرایند توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، پیامدهای حقوقی سنگینی نیز در پی دارد. از این‌رو از مقامات حاکم می‌خواهیم که با احترام به آزادی و کرامت انسانی زنان و دختران افغانستان به سیاست‌های تبعیض‌آمیز خود در این زمینه پایان دهند.

از مقامات حاکم در خواست می‌کنیم که به‌منظور تأمین حق حیات کودکان و رفع تهدیدات موجود، برای پاک‌سازی مناطق آلوده به ماین و دیگر بقایای جنگ، اقدام نموده و در این زمینه با سازمان‌های غیر دولتی ملی و بین‌المللی همکاری مؤثری داشته باشند.

از مقامات حاکم می‌خواهیم که به مسئولیت‌های قانونی برای تأمین امنیت و مصئونیت شهروندان اقدام نموده و فوراً به قتل‌های فرا قضایی کارمندان حکومت پیشین، مخالفان و منتقدان خود و مدافعان حقوق بشر پایان دهند. هم‌چنین از اقدامات خود برای پیگرد قضایی و مجازات مرتکبان چنین قتل‌های به خانواده‌های قربانیان و مردم افغانستان گزارش بدهند.

علاوه‌براین، از مقامات حاکم می‌خواهیم که زمینه و امکان دسترسی مؤثر سازمان‌های حقوق بشری به محلات سلب آزادی را فراهم نموده و بیش‌تر از این مرتکب شکنجه و بدرفتاری با زندانیان نشوند.

به جامعه جهانی

مبارزه پی‌گیر با فرهنگ معافیت از مجازات و پاسخ‌گو ساختن طالبان، از پیش شرط‌های اصلی پایان دادن به نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر در افغانستان می‌باشد. با این حال، از جامعه جهانی جداً می‌طلبیم که از تمامی ابزارهای سیاسی، دیپلماتیک و قضایی استفاده نموده و از دسترسی قربانیان به عدالت، حمایت نمایند.

از جامعه جهانی می‌خواهیم که از مبارزات عدالت‌طلبانه‌ای مدافعان حقوق بشر و به‌خصوص زنان و دختران این کشور حمایت نموده و به پرونده‌های بازداشت، ناپدید سازی اجباری، شکنجه و قتل معترضان در داخل افغانستان، رسیدگی مؤثر نمایند.

همان‌گونه که یافته‌های این گزارش نشان داده است، کارمندان حکومت پیشین و اعضای خانواده‌های آنان هم‌چنان در معرض حملات انتقام‌جویانه و هدفمند طالبان و دیگر افراد مسلح ناشناس قرار دارند. بنابراین، از جامعه درخواست می‌کنیم که برای اعمال فشار بر مقامات حاکم و تأمین امنیت و مصئونیت کارمندان حکومت پیشین، اقدامات عملی را اتخاذ و اجرا نمایند.

از سازمان ملل متحد می‌خواهیم که در مورد قتل‌های هدفمند، فراقضایی و مشکوک، به‌ویژه حملات انتقام‌جویانه علیه کارمندان حکومت پیشین به‌صورت همه‌جانبه تحقیق نموده و نتایج آن را با مردم و جامعه جهانی شریک نماید.

از سازمان ملل متحد درخواست می‌کنیم که به وظیفه و مسئولیت قانونی خود برای حفاظت از مردم افغانستان و به‌ویژه زنان و گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر عمل نموده و در این زمینه اقدامات و تمهیدات مؤثری را عملی نماید.

